

۴ یاد
شاعر آوانگارد
علی باباجاهی درگذشت



۵ ورزش
خدا حافظی وریا
حذف وریا غفوری از استقلال



۶ توسعه
خدا حافظ تولی پارس
چراغ یک بنگاه خاموش شد

۷ کوچه
پیامکی برای صیانت
گزارش روز ملتهب دانشگاهها

۲ یاد
بازداشت‌ها را متوقف
وزندانی‌ها را آزاد کنید

سیدمحمد خمینی به شایعات خروجش
از کشور پایان داد و ابراز امیدواری کرد که
مذاکرات ایران و آمریکا زودتر به نتیجه برسد



یادداشت روز

بحران پرهزینه

چرا رخدادهای دی ماه ۱۴۰۴
خسارت‌بار و پرتلفات شد؟



علی محمد حاضری

جامعه‌شناس و دبیرکل انجمن اسلامی
مدرسین دانشگاهها

وضعیت کنونی ایران را نمی‌توان با هیچ‌یک از انواع
الگوهای انقلابی جهان تطبیق داد. چون با اینکه حکومت
نقطه‌ضعف‌های بسیار بزرگی دارد ولی اصلاً رژیم لغزانی
نیست که با یک فشار، هرچند بزرگ، از صحنه حذف
شود. البته این تحلیل صرف‌نظر از متغیرهای اقتصادی
و کارآمدی است که کشور را در شرایط بحرانی قرار داده
است. در اینجا بحث صرفاً در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی
و جنبش‌هاست که اسم آن را «حاکمیت مقاوم» گذاشته‌ام
که از پنج نقطه قوت یا ظرفیت بقا برخوردار است.

۱ براساس داده‌هایی که تاکنون قابل مشاهده است
کمیاب حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد از جامعه،
مدافع بقای حکومت هستند و شاید یکی از بزرگ‌ترین
نقاط قوت حکومت برای بقا همین نکته باشد که بالآخره
۱۵ درصد جامعه به هر دلیل طرفدارش هستند که در یک
جمعیت ۸۵ میلیونی حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیون نفر می‌شود؛
که از آن، بالغ بر ۱/۵ میلیون نفر آدم پای کار و محکم
درمی‌آید. هر حکومتی تا زمانی که این تعداد ارتش مردم
پایه را در اختیار داشته باشد، مدت‌ها می‌تواند بماند. این
حامیان به دو دست، «حامیان ایدئولوژیک و اعتقادی»
و «حامیان ذی‌نفع و بهره‌مند از امتیازات» تقسیم
می‌شوند. تا آنجا که می‌دانیم تقریباً هیچ حکومتی در
تاریخ ایران این‌گونه نبوده که تا عمق روستاها و محلات،
این چنین حضور و پایگاه بسیج داشته باشد؛ این اثری
است که امام خمینی (ره) و جنگ ۸ ساله برای کشور
به جای گذاشت و در حال حاضر، تبدیل به یک پایگاه و
لشکر تحت فرمان و تحت کنترلی شده که حاکمیت هر
لحظه صدایش کند، در صحنه حضور دارد.

۲ این حکومت در برابر دشمنان خارجی نیز یک
ارتش و قدرت دفاعی ساخته که همه اذعان
دارند، قدرت تخریب‌گری آن بالاست. یعنی اصطلاحی
که رهبری هم به کار می‌برد، این است که «دوران بز
درویی تمام شده و اگر بزنند، می‌خورند». یعنی تصور
اینکه ایران چه واکنشی می‌تواند نشان بدهد برای دشمنان
ترسناک است لذا در اقداماتشان تأمل و تردید می‌کنند.

۳ وجه دیگر قدرت آن، این است که رهبری نظام
فارغ از این محاسبات معمول برای خود یک
رسالت الهی قائل است، این احساس رسالت یک اراده
محکم و تزلزل‌ناپذیری به ایشان می‌دهد که از دو عامل
فوق، یعنی از حمایت مردمی و قدرت دفاعی به نحو
حداکثری بهره می‌گیرد. هر دوی این مؤلفه‌ها در حلقه
رهبری ایدئولوژیک بهم پیوند می‌خورند و یکپارچه
می‌شوند و این قدرت و انرژی را بالا می‌برد.

۴ از نظر ژئوپلیتیک نیز ایران در منطقه و مناسباتی
از شرایط جهانی واقع شده که در شرایط فعلی،
توافقی بین قطب‌های قدرت برای اضمحلال آن وجود
ندارد و در شرایط موجود، فرض توافق پشت‌برده برای
حذف ایران تا حدودی منتفی است.

۵ «عدم انسجام و تکرار ناراضی‌ها» نقطه‌قوت
دیگر جمهوری اسلامی است. ناراضی‌ها از
این حکومت، متکسر و فاقد سازمان، وحدت
گفتمانی و استراتژی هستند. آنها به قدری تکه‌تکه
هستند که به خاطر این تکرار و فقدان انسجام،
حاکمیت توانسته هر یک را نادیده انگاشته یا با آنها
مقابله کند. اینها نکاتی است که به بقای حکومت
کمک می‌کند و اصلاً آن را در معرض فروپاشی
انقلابی، به معنای مصطلح قرار نمی‌دهد.

ادامه در صفحه ۸

مخالفت اروپا با جنگ

کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا می‌گوید:

اروپا خواهان جنگ جدیدی در خاورمیانه نیست

پیش از او، رئیس‌جمهور ایتالیا نیز با حمله نظامی آمریکا به ایران مخالفت کرده بود

وزیر خارجه انگلیس نیز به ایالات متحده توصیه کرده بود که به جای حمله، با ایران مذاکره کند

در حالی که تنش‌های نظامی میان ایران و ایالات متحده در هفته‌های اخیر به‌طور محسوس تشدید شده و اعزام تجهیزات و جنگ‌افزارهای جدید ارتش آمریکا به منطقه خاورمیانه، نگرانی‌ها را در پایتخت‌های اروپایی افزایش داده است، اتحادیه اروپا تلاش می‌کند خود را به‌عنوان بازیگری فعال در مسیر دیپلماسی معرفی کند. «کایا کالاس» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، با هشدار درباره خطرات یک درگیری تازه در منطقه، اعلام کرده که بروکسل آماده است به روند دیپلماتیک میان تهران و واشنگتن کمک کند و از هرگونه تشدید بحران جلوگیری به‌عمل آورد. او تصریح کرده که وضعیت کنونی متشنج است و اروپا خواهان جنگ جدیدی در خاورمیانه نیست؛ موضعی که بازتاب‌دهنده نگرانی‌های عمیق قاره سبز نسبت به پیامدهای یک تقابل نظامی مستقیم میان ایران و آمریکاست.

ادامه در صفحه ۳

ابوالفضل خدایی



گروه بین‌الملل



دولت

۱۳ درخواست دانشجویان از عارف

معاون اول رئیس‌جمهور:
کشور در حوادث دی‌ماه یک باخت جدی داشت

گروه سیاسی: معاون اول رئیس‌جمهور، روز گذشته در نشست صمیمانه با نمایندگان دانشجویان که در آن دانشجویان ۱۲ مطالبه مشخص خود را با او در میان گذاشتند، گفت: علت اصلی حوادث سال ۱۴۰۱ دخالت افرادی بود که نقشی در اداره دانشگاه‌ها نداشتند. محمدرضا عارف، در ادامه به حوادث دی‌ماه اشاره و تأکید کرد که در این وقایع نیز کشور یک باخت جدی داشت و حدود سه هزار جوان از دست رفتند. او، تدوین روایت دقیق و مبتنی بر داده از این رخدادها را ضروری دانست و گفت، دانشگاه‌ها می‌توانند در این زمینه به دولت کمک کنند. عارف با تأکید بر جایگاه ویژه دانشجویان در جامعه، آنان را به دلیل روحیه مطالبه‌گری، زبان گویای مردم و پل ارتباطی آنان با حاکمیت دانست. او گفت که ارزش یک پرخاش دانشجو برای او بیش از تکریم افراد است زیرا این رفتار ناشی از دلسوزی، آینده‌نگری و استقلال دانشجویان می‌داند. معاون اول رئیس‌جمهور در ادامه با بیان اینکه تشکلهای دانشجویی طی ۴۸ سال گذشته در تحولات کشور نقش‌آفرین بوده‌اند، تصریح کرد که در دهه‌های اخیر افول جدی در جنبش دانشجویی ایجاد شده و دانشجویان مانند گذشته حاضر به پرداخت هزینه نیستند. او همچنین بیان کرد که تشکلهای دانشجویی تا حدی از بدنه خود فاصله گرفته‌اند و در شکل‌گیری این وضعیت، بدنه دانشجویی، مدیران دانشگاهی و دخالت‌های بیرونی نقش داشته‌اند.

بخش مهمی از این نشست نیز به بیان دیدگاه‌های نمایندگان تشکلهای دانشجویی اختصاص یافت. دانشجویان موضوعاتی همچون بازتعریف نقش حاکمیت در نبرد روایت‌ها، بازبینی مفهوم نخبه، مشکلات قطعی و سرعت پایین اینترنت، ایجاد فضای امن برای بیان دغدغه‌ها، بهبود اطلاع‌رسانی دولت، مقابله با ناهنجاری‌های اخلاقی، برگزاری جلسات منظم با مسئولان، کاهش شکاف‌های اجتماعی از طریق گفت‌وگو، پیگیری آزادی دانشجویان بازداشت‌شده، حضور بیشتر مسئولان در دانشگاه‌ها، آسیب‌شناسی وقایع دی و توجه به معیشت مردم را مطرح کردند. همچنین نمایندگان نزدیک به جریان اصولگرا از آنچه بی‌تدبیری دولت در حوزه معیشت می‌خواندند، انتقاد کرده و اجرای اصلاح ساختار اقتصادی و حذف ارز ترجیحی را در زمان نامناسب دانستند. آنان مدعی شدند، بستر حوادث دی‌ماه در نتیجه عملکرد دولت شکل گرفت. در مقابل، نمایندگان طیف‌های منتقد و معترض گفتند، حوادث دی‌ماه نشان‌دهنده شکل‌گیری شکاف‌های عمیق اجتماعی است و خشم انباشته مردم، نتیجه سال‌ها نادیده گرفتن مطالبات اکثریت بوده است. آنان افسوس گفت‌وگو میان دولت و دانشجویان را دلیل اصلی بحران اخیر عنوان کردند. در این نشست، نمایندگان طیف‌های منتقد دانشجویان با هدف بهبود شرایط کشور ۱۲ درخواست مشخص را مطرح کردند:

۱. پیگیری آزادی دانشجویانی که در حوادث اخیر بازداشت شده‌اند.
۲. تداوم انتشار اسامی جان‌باختگان و اقدامات شفاف‌ساز.
۳. تشکیل کمیته حقیقت‌یاب مستقل برای بررسی وقایع دی‌ماه.
۴. رفع محدودیت‌های کانون‌های فرهنگی و هنری و تقویت حمایت اجرایی از آنها.
۵. افزایش حضور اعضای کابینه در دانشگاه‌ها و جبران خلأ ارتباطی با دانشجویان.
۶. بازتعریف نقش حاکمیت در نبرد روایت‌ها و مدیریت افکار عمومی.
۷. تعریف جایگاه مشخص برای تشکلهای دانشجویی در سفرهای استانی دولت.
۸. رسیدگی فوری به قطعی و کندی اینترنت.

۹. تضمین امنیت برای ابراز نظر آزادانه دانشجویان در دانشگاه‌ها.
۱۰. ارائه برنامه مشخص برای احقاق حقوق ملت و مشارکت مردم در شئون مختلف.
۱۱. تقویت حضور و اطلاع‌رسانی مؤثر دولت در فضای مجازی.
۱۲. اهتمام بیشتر دولت در اجرای اسناد همکاری با چین و روسیه.

در پایان، دانشجویان همچنین خواستار تعیین زمان و مکان مشخص برای جلسه بعدی با معاون اول رئیس‌جمهور و تداوم برگزاری نشست‌های منظم شدند.

بازداشت‌ها را متوقف و زندانی‌ها را آزاد کنید

سیدمحمد خاتمی به شایعات خروجش از کشور پایان داد
و ابراز امیدواری کرد که مذاکرات ایران و آمریکا زودتر به نتیجه برسد



عاطفه شمس

گروه سیاسی



در سیاست ایران، شایعه همیشه زودتر از خبر می‌دود؛ حالا هم در روزهایی که فضای سیاسی ایران زیر فشار تهدیدهای خارجی و مشکلات اقتصادی ملتهب است، موجی از شایعات علیه چهره‌های شاخص میانه‌رو به راه افتاده است؛ از خروج سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات از کشور تا ادعای کودتای داخلی حسن روحانی، رئیس دولت تدبیر و امید. هم‌زمان هم نام علی لاریجانی وارد معادله شد با این ادعا که رهبری، مدیریت شرایط جنگی را به او سپرده است. گرچه تکذیب‌ها یکی پس از دیگری منتشر شدند اما پرسش‌هایی مطرح شد مبنی بر اینکه چرا این حجم از شایعه‌سازی علیه نیروهای میانه‌رو شکل گرفته و چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ این شایعات در حالی دهان به دهان می‌چرخید که صبح دیروز خاتمی در جمع مشاورانش حاضر شد و به تبیین اقتضانات امروز و آینده ایران پرداخت.

رئیس دولت اصلاحات، بعد از دریافت گزارش‌ها درباره اوضاع فعلی ایران و منطقه و برگزاری مراسم یادبود قربانیان حوادث دی‌ماه در مناطق مختلف و نیز اعتراضات اخیر دانشگاه‌ها بر ضرورت درک همه‌جانبه شرایط خطیر امروز و آینده ایران تأکید کرد. او دوباره به ملت ایران تسلیت گفت، با خانواده‌های جان‌باختگان فجایع اخیر ابراز همدردی کرد، برای انبوه آسیب‌دیدگان در این حوادث تلخ، آرزوی شفای عاجل کرد و خواستار آزادی همه دستگیرشدگانی شد که جز درماندگی از زندگی و اعتراض، انتهای ندارند.

خاتمی همچنین بر ضرورت تبیین روشن و باورپذیر حوادث پیش‌آمده و مقصران آنها بر لزوم توقف دستگیری‌ها و احضارها و احیاناً احکام نامناسب برای اندیشمندان، هنرمندان و سیاست‌ورزان بخش‌های مختلف تأکید و اظهار امیدواری کرد که مسائل دانشگاه‌ها، با تدبیر و آرامش و به دور از خشونت‌های سیاسی و امنیتی و اجتماعی، حل و فصل شود. رئیس دولت اصلاحات، مذاکرات پیش‌رو میان آمریکا و ایران را در این وضعیت بسیار مهم دانست که با عنایت به خواست و مصلحت ملت شریف و رنج‌کشیده ایران، بتوان به نتیجه‌ای برسد که رنج‌ها و مشکلات و تنگناهای مردم و تهدیدات روزافزون نسبت به ایران عزیز کاهش یابد و برخلاف مسیر مورد نظر بدخواهان به خصوص اسرائیل که خواسته‌ای جز نابودی و یا تجزیه ایران و فرو انداختن آن از قدرت تأثیرگذاری در منطقه و جهان ندارند، مسیری انتخاب شود که صلح و پیشرفت و امنیت منطقه در نظر گرفته شود. او همچنین با هشدار به اینکه هرگونه درگیری نظامی از سوی آمریکا و دیگران می‌تواند، اوضاع منطقه را به‌شدت بحرانی کند، اظهار امیدواری کرد که هم آمریکا و هم ایران با درک انگاره‌ها و انگیزه‌های خطرناک اسرائیل در دام توطئه‌ای که آتش آن به‌نحوی همه جهان را خواهد گرفت، نیفتند.

شایعه اول: خاتمی رفت

طی روزهای اخیر شایعه خروج خاتمی توسط چند کانال تلگرامی، حساب‌های ناشناس و حتی سایت‌های نزدیک به جریان‌های رادیکال منتشر شد. ادعا شده بود، رئیس‌جمهور پیشین برای درمان یسا دیدار با فرزندانش به اروپا رفته یا قصد خروج داشته اما ممنوع‌الخروج شده است. در این روایت‌سازی، هدف فقط خبرسازی نبود؛ تصویرسازی بود. خاتمی باید «ترسو» نشان داده می‌شد؛ سیاستمداری که با بحرانی شدن اوضاع، «جا زده» رفته است. این تصویر، بیش

از آنکه به واقعیت نزدیک باشد، به نیاز یک پروژه سیاسی پاسخ می‌دهد: تهی کردن نماد اصلاحات از سرمایه اخلاقی‌اش. در مقابل، نزدیکان خاتمی، از جمله محمدعلی ابطحی و محمدرضا خاتمی، این ادعا را صریحاً تکذیب کردند. خبرگزاری رسمی دولت نیز خبر را جعلی خواند. حتی اصلاحات‌نیز که نامش به‌عنوان منبع اولیه مطرح شده بود، اعلام کرد چنین خبری منتشر نکرده است. اما اهمیت این شایعه فقط در درست یا غلط بودن آن نیست بلکه در تصویری است که می‌سازد. خروج از کشور در شرایط بحرانی در ذهن بخشی از افکار عمومی می‌تواند به‌معنای «گریز از مسئولیت» تعبیر شود. در واقع، شایعه‌سازان تلاش کردند، خاتمی را چهره‌ای معرفی کنند که بزنگاه حساس، کشور را ترک کرده است. این تصویرسازی، بیش از آنکه متوجه شخص او باشد، سرمایه نمادین جریان اصلاحات را هدف می‌گیرد؛ جریانی که هنوز خاتمی را نماد اصلاح در چارچوب نظام می‌داند.

شایعه دوم: پرونده‌سازی برای روحانی

اگر خاتمی را با «فرار» می‌زنند، روحانی با برجسب «توطئه» مواجه شد. روزنامه فرانسوی فیگارو در گزارشی ادعا کرد که اقدام داخلی برای برکناری رهبر در جریان بوده و روحانی با همراهی محمدجواد ظریف و برخی چهره‌ها به‌دنبال سلب اختیار از رهبری بوده است. ادعایی سنگین که بلافاصله با شایعات «حصر خانگی» و «بازداشت» تکمیل شد. پیش‌تر نیویورک‌تایمز هم در گزارشی از نقش‌آفرینی پشت‌پرده روحانی و افزایش وزن سیاسی لاریجانی در مدیریت شرایط بحرانی نوشته بود. نیویورک تایمز مدعی شد که با افزایش احتمال درگیری نظامی میان آمریکا و ایران، رهبر ایران، مأموریت تضمین بقای ساختار سیاسی و مدیریت شرایط جنگی را به علی لاریجانی واگذار کرده است. این گزارش‌ها در داخل کشور بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد و برخی چهره‌های تدریس آن را دستمایه حملات تازه قرار دادند. اما پاسخ روحانی، حضور علنی در مراسم‌های عمومی بود؛ حضوری که عملاً روایت «حصر» را زیر سوال برد. نزدیکان او نیز تأکید کردند جلسات وی با وزرا و کارشناسان، روندی عادی و همیشگی دارد و هیچ اقدام غیر معمولی در کار نیست.

نکته معنادار این است که همان قدر که رسانه‌های خارجی روحانی را به‌عنوان «آلترناتیو درون‌سیستمی» برجسته می‌کنند، جریان‌های تدریس در داخل می‌کوشند، او را به «کودتاچی بالقوه» تبدیل کنند. دو لبه قیچی که هر دو یک هدف مشترک دارند: حذف روحانی از معادله آینده. استفاده از واژه «کودتا» اهمیت ویژه‌ای دارد. این واژه در ادبیات سیاسی ایران بار امنیتی سنگینی دارد و می‌تواند هر کش سیاسی را از چارچوب رقابت عادی خارج کرده و به سطح تهدید امنیتی ارتقا دهد. برجسب «کودتا» در واقع عملاً مشروعیت هرگونه فعالیت آینده را از پیش زیر سوال می‌برد.

در این میان، بررسی زمان‌بندی و محتوای این شایعات نشان می‌دهد که هدف صرفاً تخریب شخصی نیست و می‌توان، چند فرضیه را برای این شایعات مطرح کرد: اولین فرضیه در بستر رقابت برای آینده قدرت معنا پیدا می‌کند؛ در دوره‌هایی که بحث‌های غیررسمی درباره آینده ساختار قدرت و سناریوهای انتقال مطرح می‌شود، چهره‌های باتجربه و شبکه‌دار به‌طور طبیعی به‌عنوان گزینه‌های بالقوه دیده می‌شوند. تخریب پیش‌دستانه می‌تواند، راهی برای حذف آنان از معادله باشد. فرضیه دوم را می‌توان بر تلاش برای حذف «گزینه میانه» بنا نهاد؛ میانه‌روها معمولاً در بزنگاه‌های بحرانی به‌عنوان گزینه‌ای برای کاهش تنش و بازگشت به گفت‌وگو مطرح می‌شوند. برای جریان‌های رادیکال، وجود چنین گزینه‌ای تهدید محسوب می‌شود زیرا می‌تواند، پروژه دوقطبی‌سازی و

انحصار سیاسی را تضعیف کند. سومین فرضیه را هم می‌توان تلاشی برای انحراف افکار عمومی تلقی کرد؛ در شرایط فشار اقتصادی و تهدید خارجی، برجسته شدن شایعات سیاسی می‌تواند توجه افکار عمومی را از مطالبات معیشتی منحرف کند. دعوای درون‌حاکمیتی همواره سوژه‌ای جذاب‌تر از بحث‌های پیچیده اقتصادی است.

درباره منشأ شایعات گرچه تعیین دقیق آن دشوار است اما می‌توان از سه سطح سخن گفت. رسانه‌های خارجی که با انتشار گزارش‌های مبتنی بر منابع ناشناس، تصویری از شکاف درون حاکمیت ارائه می‌دهند و ناخواسته یا آگاهانه به خوراک تبلیغاتی جریان‌های داخلی تبدیل می‌شوند. جریان‌های تندرو داخلی که از تضعیف میانه‌روها سود سیاسی می‌برند و بازگشت آنان به عرصه قدرت را تهدیدی برای موقعیت خود می‌دانند و در نهایت، شبکه‌های غیررسمی شایعه‌پراکنی در فضای مجازی که بدون هویت مشخص، روایت‌ها را بازتولید و تقویت می‌کنند.

چه کسانی از این فضا سود می‌برند؟

اما اگر بخواهیم بدانیم چه کسانی از این فضا سو می‌برند باید رد این شایعات را بگیریم. در نتیجه نیز به یک طیف مشخص می‌رسیم: رادیکال‌هایی که در داخل و خارج از کشور از بازگشت میانه‌روها به مرکز سیاست هراس دارند. این جریان، هم در رسانه‌های داخلی فعال است و هم از هم‌صدایی ناخواسته برخی رسانه‌های خارجی بهره می‌برد. برای این طیف، خاتمی و روحانی نه به‌خاطر گذشته‌شان بلکه به‌خاطر «امکان آینده» خطرناک هستند. میانه‌روها، برخلاف اپوزیسیون برانداز، هنوز زبان ساختار را می‌دانند؛ می‌توانند مذاکره کنند، اجماع بسازند و در بزنگاه‌ها نقش میانجی داشته باشند. همین قابلیت است که باید تخریب شود.

در مورد خاتمی، تصویر سیاستمدار گریزان برجسته می‌شود؛ در مورد روحانی، سیاستمدار توطئه‌گر. این دو تصویر، اگرچه متفاوت به‌نظر می‌رسند اما هدف مشترکی دارند: بی‌اعتبارسازی اخلاقی و سیاسی. وقتی یک چهره فراری یا کودتاچی معرفی شود، دیگر نیازی به بحث درباره کارنامه یا برنامه‌هایش نیست. برجسب‌ها جای تحلیل را می‌گیرند و حذف سیاسی ساده‌تر می‌شود.

اما چرا حالا این شایعات مطرح شده؟ پاسخ ساده است: در شرایطی که فشار خارجی، ناراضی‌های داخلی و ابهام در آینده به هم رسیده‌اند، هر نیرویی که بتواند روایت «ثبات از مسیر اصلاح» را زنده کند، مزاحم است. شایعه هم ارزان‌ترین ابزار حذف است؛ بی‌هزینه‌تر از پرونده قضایی و مؤثرتر از سانسور.

نبرد بر سر روایت آینده

آنچه امروز در قالب شایعه علیه خاتمی، روحانی و حتی لاریجانی جریان دارد، بخشی از نبرد بزرگ‌تر بر سر روایت آینده سیاست ایران است و از شایعه، در این میان به‌عنوان ابزاری برای مهندسی ذهن‌ها استفاده می‌شود. شایعه حتی اگر تکذیب شود، می‌تواند بذر تردید را بکاربرد و اگر در ذهن بخشی از جامعه این تصور شکل بگیرد که خاتمی «رفته» یا روحانی «در حصر» است، هدف شایعه‌سازان تا حدی محقق شده است. مسئله اصلی نه صحت خبر بلکه جهت‌گیری موجی است که چند چهره شاخص میانه‌رو را هدف گرفته است. خروج خاتمی، ادعای کودتای روحانی و بزرگ‌نمایی نقش لاریجانی، قطعات یک پازل هستند؛ پازلی که هدفش بازتعریف تهدید و بستن مسیر میانه‌روی است. در این بازی حقیقت چندان مهم نیست؛ آنچه اهمیت دارد، القای ترس است؛ ترس از اصلاح، ترس از تعادل و ترس از بازگشت عقلانیت به سیاست.



فشار سیاسی و تهدید نظامی

چرا تنش‌های نظامی مذاکره را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند؟



هادی آخوندی نعمت‌آباد

تخلیگر

سایه جنگ معمولاً پیش از آغاز هر درگیری نظامی در عرصه سیاسی، رسانه‌ای و اقتصادی شکل می‌گیرد و پیش از شلیک اولین گلوله بر افکار عمومی و روند تصمیم‌گیری‌ها اثر می‌گذارد. در وضعیت کنونی نیز فضای تهدید و فشار پیش از نشانه‌های جنگ مستقیم احساس می‌شود؛ فضایی که با انتشار اخبار تحرکات نظامی، تشدید ادبیات سیاسی و ابهام‌های هدفمند تقویت شده و می‌تواند بر رفتار دولت‌ها، بازارها و جامعه تأثیرگذار باشد.

آرایش نظامی گسترده ایالات متحده در منطقه واقعیتی مهم است اما این تحرکات الزاماً به معنای تصمیم قطعی برای جنگ نیست. در سیاست بین‌الملل، نمایش قدرت اغلب به عنوان ابزاری برای افزایش قدرت چانه‌زنی در مذاکرات به کار می‌رود. این منطق به‌ویژه در مورد دونالد ترامپ صادق است؛ سیاستمداری که با شعار پایان دادن به جنگ‌های پرهزینه وارد عرصه شد و در عمل نشان داده، ترجیح می‌دهد از تهدید و فشار برای گرفتن امتیاز استفاده کند نه از درگیری مستقیم. الگوی رفتاری ترامپ نشان می‌دهد که او سطح تنش را بالا می‌برد اما مسیر گفت‌وگو را کاملاً مسدود نمی‌کند. اعزام ناوها، تشدید لحن تهدید و برجسته‌سازی احتمال

ادامه تیتربیک



جولوگیری شود نباید این وضعیت را صرفاً موقتی مقطعی تلقی کرد. بازگشت مکرر به چرخه تنش، هزینه‌های انباشته‌ای ایجاد می‌کند؛ بنابراین کاهش پایدار تنش و کاستن از زمینه‌های سوء برداشت اهمیت راهبردی دارد زیرا تداوم وضعیت خصمانه حتی بدون جنگ نیز پیامدهای گسترده‌ای به همراه دارد. در نهایت، واقعیت این است که جنگ برای هر دو طرف پرهزینه است اما پیامدهای آن برای ایران به دلیل شرایط اقتصادی و منطقه‌ای سنگین‌تر خواهد بود. از این رو دقت در محاسبه، کنترل هیجان عمومی و تقویت انسجام داخلی اهمیت ویژه‌ای دارد. فضای کنونی بیش از آنکه نشانه آغاز قطعی جنگ باشد، بیانگر یک بازی فشار در بستر مذاکره است؛ وضعیتی که می‌تواند به کاهش تنش یا در صورت خطا به مرحله‌ای پرهزینه وارد شود. فاصله میان این دو مسیر به کیفیت تصمیم‌ها و میزان عقلانیت بازیگران بستگی دارد و تجربه تاریخی نشان می‌دهد حتی شدیدترین بحران‌ها نیز در صورت غلبه تحلیل بر ترس و هیجان قابل مدیریت هستند.

یا خرابکارانه آن می‌تواند، معادلات را دگرگون کند. در عین حال مسیر مذاکره همچنان باز است و تداوم گفت‌وگو نشان می‌دهد که تصمیم نهایی برای عبور از آستانه جنگ اتخاذ نشده است. فاصله میان تهدید و اقدام، فرصتی برای مدیریت عقلانی بحران است. هرچه کانال‌های ارتباطی فعال‌تر و پیام‌ها شفاف‌تر باشند، احتمال سوء برداشت و تشدید بحران کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، مسئولیت نهادهای تصمیم‌گیر داخلی سنگین‌تر می‌شود. از یک سو، حفظ بازدارندگی و نمایش توان دفاعی برای جولوگیری از محاسبه غلط طرف مقابل ضروری است زیرا برداشت از ضعف می‌تواند محرک رفتارهای پرخطر باشد. از سوی دیگر، تصمیم‌گیری بر پایه ترس یا فشار روانی می‌تواند به اقداماتی منجر شود که هزینه‌های آن بیش از منافع احتمالی است. مدیریت همزمان بازدارندگی و خوشبیننداری نیازمند محاسبه دقیق، هماهنگی نهادی و نگاه راهبردی است. همچنین باید به مرحله پس از عبور از بحران توجه داشت. حتی اگر مذاکرات به نتیجه برسد و از درگیری مستقیم

آمریکای جنوبی

مرگ پر آشوب

بزرگ‌ترین کارتل مواد مخدر مکزیک کشته شد

به‌دنبال کشته شدن رهبر بزرگ‌ترین کارتل مواد مخدر مکزیک، شورش و درگیری شدید در چند شهر این کشور به راه افتاد. دولت آمریکا هم به سرعت از این اتفاق استقبال اما همزمان از درگیری‌های پس از این حادثه ابراز نگرانی کرد. آمریکا پیش از این ۱۵ میلیون دلار جایزه برای کسب اطلاعات منجر به بازداشت این چهره قاچاق مواد مخدر اعلام کرده بود. گفته می‌شود در عملیات ارتش مکزیک، دولت آمریکا هم به‌صورت اطلاعاتی، همکاری کرده بود. نیروهای مختلف ارتش مکزیک برای کشتن «ال مینچو» دیروز عملیات بزرگی را در شهر «تاپالبا» در ایالت «خالیسکو نسل جدید» در غرب کشور اجرا کرد. وزارت دفاع مکزیک اعلام کرد میان اعضای این کارتل مواد مخدر و نیروهای دولتی درگیری به‌وجود آمد که منجر به کشته شدن ۴ نفر از اعضای این کارتل شد. وزارت دفاع مکزیک ادامه داد در این درگیری «ال مینچو» به همراه دو نفر دیگر به‌شدت زخمی شدند اما به هنگام انتقال هوایی به سمت پایتخت (شهر مکزیکوسیتی) فوت کردند. همچنین سه نظامی مکزیک در این عملیات زخمی شدند که برای درمان به بیمارستان مکزیکوسیتی منتقل شدند. رسانه‌ها از مکزیک گزارش می‌کنند، بعد از کشته شدن ال مینچو، شورش و درگیری‌های خشونت‌آمیزی در چند شهر مکزیک رخ داد. این شورش‌ها شامل آتش زدن خودروها و اتوبوس‌ها، بستن جاده‌ها و درگیری با نیروهای امنیتی است. رسانه‌های غربی نوشته‌اند، آتش زدن خودروها و بستن جاده‌ها با خودروهای آتش گرفته یکی از راه‌های معمول گروه‌های قاچاق مواد مخدر برای ایجاد مانع در برابر عملیات نظامی پلیس و ارتش است. به گزارش خبرگزاری رویترز، در برخی شهرها از گردشگران و ساکنان محلی خواسته شد که در خانه بمانند و به رانندگان کامیون‌ها توصیه شد که مسیری امن را در پیش بگیرند و یا تا فروکش کردن خشونت‌ها به پایانه‌های خود بازگردند. با این حال کلودیا شینبوم، رئیس‌جمهور مکزیک، در پستی در شبکه‌های اجتماعی، خشونت‌ها را تأیید کرد اما لحنی آرام داشت. او گفت: «در بیشتر قلمرو ملی، فعالیت‌ها به‌صورت عادی جریان دارد».



زور می‌تواند به یک چرخه تصاعدی منجر شود و در نهایت آمریکا را به یک درگیری گسترده بکشاند، بدون آنکه برنامه‌های دقیق برای مدیریت چنین جنگی وجود داشته باشد. به گفته او، گر زدن موضوعات غیرهسته‌ای مانند برنامه موشکی، سیاست داخلی ایران و فعالیت‌های منطقه‌ای به هرگونه توافق هسته‌ای، دستیابی به توافق را تقریباً غیرممکن می‌کند.

در چنین فضایی، تحرکات دیپلماتیک نیز ادامه دارد. براساس گزارش‌ها، علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران قرار است به عمان سفر کند و دور سوم مذاکرات ایران و آمریکا نیز احتمالاً در ژنو برگزار خواهد شد. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران اعلام کرده که موضوع غنی‌سازی یکی از حساس‌ترین محورهای مذاکرات است و دو طرف از مواضع یکدیگر آگاه هستند. او تأکید کرده که راه‌حل قابل دستیابی است اما مذاکرات نباید از طریق رسانه‌ها پیش برده شود و در حال حاضر تمرکز ایران صرفاً بر پرورده هسته‌ای است. در همین حال، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه ایران گمانه‌زنی‌ها درباره توافق موقت را بی‌اساس دانسته و گفته است که تهران هنوز در مرحله تدوین دیدگاه‌ها قرار دارد.

با این حال، فضای مذاکرات تحت‌تأثیر تهدیدهای آشکار و آشنگتن قرار دارد. ترامپ به تهران مهلتی ۱۰ تا ۱۵ روزه داده است تا به توافق برسد و هشدار داده است که در غیر این صورت با پیامدهای بسیار بد مواجه خواهد شد. گزارش‌ها حاکی از آن است که تلاش دیپلماتیک کنونی ممکن است آخرین فرصت پیش از اقدام نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل باشد؛ سناریویی که در صورت تحقق، می‌تواند خاورمیانه را وارد مرحله‌ای بی‌سابقه از بی‌ثباتی کند.

در مجموع، اروپا تلاش می‌کند میان نگرانی‌های امنیتی مشترک با آمریکا و هزینه‌های بالقوه یک جنگ تعادل برقرار کند. از نگاه بروکسل، دیپلماسی نه‌تنها بهترین گزینه بلکه تنها گزینه قابل مدیریت است. تجربه جنگ‌های گذشته در خاورمیانه نشان داده که مداخله نظامی اغلب پیامدهایی غیرقابل‌پیش‌بینی دارد و بحران‌های انسانی، اقتصادی و امنیتی گسترده‌ای را به‌دنبال می‌آورد. برای اروپا که هنوز با پیامدهای بحران مهاجرت، شوک‌های انرژی و تهدیدهای امنیتی دست‌وپنجه نرم می‌کند یک جنگ دیگر در خاورمیانه می‌تواند به‌معنای ورود به دوره‌ای تازه از بی‌ثباتی باشد. از همین رو، موضع اتحادیه اروپا در مخالفت با تشدید تنش و حمایت از دیپلماسی نه صرفاً یک انتخاب سیاسی بلکه ضرورتی راهبردی برای حفظ ثبات داخلی و منطقه‌ای این قاره است.

در خاورمیانه دور است، اروپا در خط مقدم پیامدهای ثانویه چنین درگیری‌ای قرار دارد؛ از موج‌های احتمالی مهاجرت گرفته تا اختلال در تأمین انرژی و افزایش تهدیدهای امنیتی در داخل خاک اروپا.

از منظر اقتصادی نیز اروپا به‌شدت نسبت به شوک‌های ناشی از بحران‌های خاورمیانه آسیب‌پذیر است. پیش‌بینی‌ها برای سال ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که یک درگیری گسترده میان ایران و آمریکا می‌تواند، قیمت نفت برنت را به‌طور چشمگیری افزایش دهد و بار دیگر تورم را در منطقه یورو شعله‌ور کند. در چنین سناریویی، رشد اقتصادی اتحادیه اروپا ممکن است به حدود ۰.۹ درصد کاهش یابد و اقتصادهای صنعتی بزرگی مانند آلمان و ایتالیا بیشتر آسیب‌رسان شوند. افزون بر این تحریم‌های ثانویه آمریکا که شرکت‌های خارجی را به دلیل تجارت با ایران تهدید به مجازات می‌کند، شرکت‌های اروپایی را در موقعیتی دشوار قرار داده است؛ آنها باید میان بازار ایران و نظام مالی آمریکا یکی را انتخاب کنند. تجربه گذشته نشان داده که حتی تلاش‌های اتحادیه اروپا برای محافظت از شرکت‌های خود از طریق قوانین مسدودکننده در برابر سلطه مالی آمریکا، کارایی محدودی داشته و بسیاری از بانک‌ها و شرکت‌های اروپایی را وادار به عقب‌نشینی از بازار ایران کرده است.

در همین حال، برخی چهره‌های برجسته آمریکایی نیز نسبت به کارآمدی گزینه نظامی ابراز تردید کرده‌اند. «دیوید پترائوس» رئیس پیشین سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا گفته است که حتی در صورت حمله نظامی به ایران چنین اقدامی لزوماً به تغییر نظام سیاسی این کشور منجر نخواهد شد و رهبری ایران احتمالاً از مواضع خود کوتاه نخواهد آمد. او با تأکید بر اینکه ضربه زدن به برنامه موشکی یا نیروهای امنیتی ایران ممکن است اهداف کوتاه‌مدت را تأمین کند، هشدار داده که این اقدامات به تغییر ساختار قدرت در تهران منجر نخواهد شد. پترائوس همچنین برنامه هسته‌ای ایران و حمایت این کشور از گروه‌های منطقه‌ای را تهدیدی جدی برای متحدان آمریکا در خاورمیانه دانسته و گفته است که در صورت عدم انعطاف ایران، واشنگتن ممکن است به نمایش گسترده قدرت نظامی متوسل شود.

«ریچارد هاس» رئیس پیشین شورای روابط خارجی آمریکا نیز با نگاهی انتقادی‌تر، سیاست‌های تهدیدآمیز دولت ترامپ را زیر سؤال برده است. او معتقد است که تهدیدهای نظامی توانسته ایران را به عقب‌نشینی وادار کند و دولت آمریکا فاقد یک استراتژی روشن درباره پیامدهای اقدام نظامی است. هاس هشدار داده است که تشدید محدود

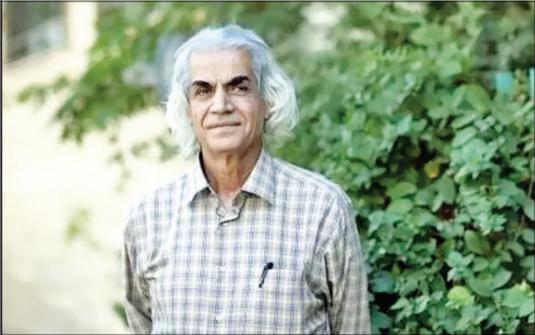


سال نهم شماره ۲۱۹۱
سه‌شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۴

یاد

شاعر آوانگارد

علی باباچاهی شاعر و منتقد ادبی درگذشت



علی باباچاهی بعدازظهر دوشنبه، ۴ اسفند پس از دوره‌ای بیماری بر اثر ایست قلبی در بیمارستانی در کرج از دنیا رفت. غزل باباچاهی، فرزند این شاعر با تأیید این خیر گفت جزئیات مراسم تشییع پیکر و خاک‌سپاری این شاعر متعاقباً اعلام خواهد شد.

علی باباچاهی، ۲۰ آبان ۱۳۲۱ در بندر کنگان بوشهر به دنیا آمد. از همان سنین نوجوانی از قریحه و ذوق ادبی قابل توجهی برخوردار بود. زمانی که هنوز دانش‌آموز بود، موفق شد اشعارش را با نام مستعار منتشر کند. در چند جشنوارهٔ ادبی دانش‌آموزی شرکت کرد و بارها به‌عنوان شاعر برگزیده انتخاب شد. نشر نوشته‌های باباچاهی با نام «ع. فریاد» برای مدتی ادامه داشت؛ اما زمانی که یکی از شعرهای او به‌عنوان بهترین شعر ادبی انتخاب شد، تصمیم گرفت تا آن‌ها را با نام واقعی خود منتشر کند. بنابراین خیلی‌زود و در دوران مدرسه، وارد دنیای مطبوعات و مجلات ادبی شد و همین پیشینهٔ حرفه‌ای سبب شد تا به شغل معلمی هم فکر کند. پس از فارغ‌التحصیلی وارد آموزش و پرورش شد و نزدیک به دو دهه در بوشهر، به‌عنوان معلم ادبیات گذران زندگی کرد. با وجود آن‌که شغل اصلی او در آن دوران، تدریس و معلمی محسوب می‌شد، اما هیچ‌گاه سرودن شعر را کنار نگذاشت.

باباچاهی در دههٔ ۴۰، مجلهٔ «تکاپو» را با سردبیری خود منتشر کرد. اما پس از انتشار سه شماره از این مجله، ساواک به دلیل نداشتن مجوز پخش، آن را تعطیل کرد. این مجله با وجود عمر کوتاهش، تأثیرات قابل توجه و مشهودی بر اهالی شعر و ادب گذاشت. تعدادی از مطالب چاپ‌شده در مجلهٔ «تکاپو»، اعم از گفت‌وگو با شاعران، بعدها در نشریه‌های دیگر نیز مجدداً منتشر شدند.

پس از پیروزی انقلاب، علی باباچاهی به اجبار از شغل خود در آموزش و پرورش بازنشسته شد و حرفهٔ خود را به‌عنوان نویسنده و سردبیر در نشریه‌های ادبی ادامه داد. او در چند مجلهٔ مختلف ادبی قلم زد و به‌عنوان یکی از شاعران و مدرسان فرهیخته ایرانی، به مشارکت و همکاری با آن‌ها پرداخت. از میان دیگر فعالیت‌های باباچاهی، می‌توان به مشارکت او در پژوهش‌های مختلف در زمینهٔ متون کهن فارسی، لغت‌شناسی و همچنین مطالعه پیشینهٔ تاریخی متون ادبی اشاره کرد. این نویسنده و شاعر ایرانی در بخش دیگری از کارنامهٔ حرفه‌ای خود، به تنظیم آثار آنتون چخوف برای اجراهای رادیویی نیز پرداخت. «در بی‌تکیه‌گاهی»، «جهان و روشنایی‌های غمناک»، «از نسل آفتاب»، «صدای شن»، «از خاک‌مان آفتاب برمی‌آید»، «آوای دریامردان»، «منزل‌های دریا بی‌نشان است»، «ننم بارانم»، «عقل عذاب می‌دهد»، «قیافه‌ام که خیلی مشکوک است»، «رفته بودم به صید نهنگ»، «پیکاسو در آب‌های خلیج فارس»، «فقط از پریان دریایی زخم زبان نمی‌خورَد»، «هوش و حواس گل شب‌بو برای من کافی‌ست»، «گل باران هزار روزه»، «دنیا اشتباه می‌کند»، «بیا گوش‌ماهی جمع کنیم»، «به شیوهٔ خودشان عاشق می‌شوند»، «باغ‌انار از این طرف است»، «در غارهای پُر از ترگس»، «این کشتی پراسرار»، «اتاق بر آب راه می‌روم»، «قشنگی دنیا به همین است»، «آدم‌ها در غروب اسم ندارند» و «آورا و دیگران من» ازجمله مجموعه شعرهای زنده‌یاد علی باباچاهی هستند.

در تقدیهایی که دربارهٔ آثار علی باباچاهی نوشته شد، می‌توان این نکته را دریافت که نوشته‌های او، خوشایند سلیقهٔ دو گروه متضاد هستند. بدین معنا که بخشی از پروژه‌های هنری این شاعر ایرانی، براساس دیدگاه «هنر برای هنر» است و به‌جز تجربه‌گرایی فرمالیستی یا بازی با ساختارهای زبانی در راستای بیان احساسات درونی، چیز بیشتری در جهت‌گیری نگاه سیاسی‌ ال‌فانمی‌کنند. اما او در فهرست آثار خود، اشعاری را نیز دارد که واجد انتقادات و طنز اجتماعی هستند و دغدغه‌های سیاسی‌اش را بازتاب می‌دهند. از میان دیگر مشخصه‌های آثار علی باباچاهی، می‌توان به تمایل او برای سرودن اشعار آوانگارد اشاره کرد. در واقع او به دنبال موج و فرمی تازه برای شعر گفتن می‌گشت. او سعی داشت قواعد و

سبک شعر «پسانیمایی» را مدون کند و در این راستا مجموعه‌هایی را نیز منتشر کرد و بعداً به‌طور گسترده‌تری «شعر در وضعیت دیگر» را مطرح ساخت که بحث‌های زیادی را دامن زد. در تابستان ۱۳۹۰ فیلم مستندی با عنوان «این قیافهٔ مشکوک» پیرامون شعر و حیات شعری علی باباچاهی به طراحی و کارگردانی وحید علیزاده رزآزی ساخته شد. هم‌چنین مستندی با نام «این هم یک شوخی بود» از زندگی و شعر علی باباچاهی در ۱۳۹۳ به کارگردانی محسن موسوی میرکلایی ساخته شد.

کافه

تازه‌های ادب و هنر

موتور گردش کتاب

حدود ۱۷۰ میلیارد تومان یارانه

به دانشجویان، اساتید و اهل قلم برای خرید کتاب اختصاص یافته است

یک‌شنبه ۳ اسفند، در دومین جلسه شورای سیاست‌گذاری سی‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتساب تهران، زمان برگزاری دوره بعدی از ۲۳ اردیبهشت تا دوم خرداد ۱۴۰۵ تعیین شد. هم‌زمان گزارش تفصیلی سی‌وششمین دوره نیز در سامانه شفاف‌سازی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد؛ گزارشی که اعداد و ارقام آن بار دیگر بحث همیشگی درباره ضرورت برگزاری این رویداد را زنده کرد. اما پرسش اصلی همچنان پابرجاست که آیا نمایشگاه کتاب تهران را باید صرفاً با معیار تراز مالی سنجید، یا با اثر تاریخی و ساختاری آن بر زیست فرهنگی کشور؟ سال‌هاست برخی می‌گویند نمایشگاه بیش از آنکه یک رویداد فرهنگی باشد، به فروشگاه بزرگ کتاب شباهت دارد و مهم‌ترین خروجی آن آمار فروش روزانه است. این نقد بی‌پایه نیست. نمایشگاهی در این مقیاس باید محل تبادل کپی‌رایت، گفت‌وگوی حرفه‌ای ناشران، کشف استعدادهای تازه، ارائه سیاست‌های حمایتی و حتی دیپلماسی فرهنگی باشد. اگر گاه در سطح تخفیف و صف خرید تقلیل یافته، این ضعف در طراحی راهبردی است، نه در اصل برگزاری. اما در سوی دیگر ماجرا، واقعیتی انکارناپذیر قرار دارد. در کشوری که شبکه توزیع کتاب شکننده است، کتاب‌فروشی‌ها در بسیاری از شهرها دوام سختی دارند و مخاطب شهرستانی اغلب دسترسی مستقیم به ناشران ندارد، نمایشگاه کتاب تهران به بزرگ‌ترین موتور گردش کتاب در سال تبدیل شده است. این رویداد، برای ده‌ها هزار خانواده، دانشجو و معلم، تنها فرصت دسترسی گسترده و یک‌جای به تازه‌های نشر است. اگر این «فروشگاه بزرگ» وجود نداشت، چه سازوکار جایگزینی می‌توانست چنین حجمی از ارتباط مستقیم میان ناشر و مخاطب ایجاد کند؟

تراز مالی اما نه همه ماجرا

بر اساس گزارش رسمی، درآمد نمایشگاه حدود ۸۰ میلیارد تومان و هزینه‌های اجرایی بیش از ۱۳۳ میلیارد تومان بوده و مجموع هزینه‌ها با احتساب یارانه‌ها به حدود ۳۳۰ میلیارد تومان رسیده است. این فاصله، پرسش‌برانگیز است و باید درباره آن پاسخ روشن ارائه شود. مدیریت

سینمای ایران

نفس تازه

بازگشت پرویز شهبازی به ژانر اجتماعی با سریال «مو به مو»

محمد تقی‌زاده

منتقدفیلم

پرویز شهبازی، کارگردان کهنه‌کار و یکی از وزنه‌های نسل میانی سینمای ایران، این روزها با سریال «مو به مو» در قامت یک ناجی برای مخاطبان تشنه آثار اجتماعی با کیفیت ظاهر شده است. شهبازی که بیش از دو دهه پیش با فیلم «نفس عمیق» چنان پوست‌اندازی در سینمای اجتماعی ایران کرد که تا سال‌ها به‌عنوان یک شگفتی از آن یاد می‌شد، حالا پس از تجربیات متفاوتی چون «عیار ۱۴»، «در بند»، «مالاریا» و «طلا» به‌منظر می‌رسد که بالاخره به آن فرمول گمشده نزدیک شده است. این‌بار اما پرده سینما را با نمایش خانگی عوض کرده تا داستانش را در قالب یک سریال روایت کند.

از واقعیت تا باورپذیری

«مو به مو» از همان قسمت‌های اولیه، خود را از جریان اصلی سریال‌های پلتفرمی جدا

هزینه‌ها، بازیبسی قراردادها، اولویت‌بندی برنامه‌های جانبی و حذف بخش‌های کم‌اثر، کاملاً ضروری است. اما یک نکته مهم در تحلیل این اعداد مغفول می‌ماند. بخش قابل‌توجهی از این رقم، یارانه مستقیم به خریداران کتاب است؛ حدود ۱۷۰ میلیارد تومان که به دانشجویان، اساتید، اهل قلم و نهادها اختصاص یافته است. این رقم در واقع «سرمایه‌گذاری در مصرف فرهنگی» است. اگر همین مبلغ به‌صورت غیرمستقیم یا پراکنده هزینه می‌شد، چه تضمینی وجود داشت که به خرید کتاب بینجامد؟ نمایشگاه، یارانه را به کتش واقعی تبدیل می‌کند. انتخاب، خرید و مطالعه، فراموش نکنیم که بسیاری از ناشران متوسط و کوچک، بخش مهمی از گردش مالی سالانه خود را در همین یازده روز تأمین می‌کنند. برای برخی، نمایشگاه نه یک رویداد جانبی، بلکه ستون فقرات بقای اقتصادی است. در شرایطی که تیراژ کتاب‌ها کاهش یافته و بازار عمومی با رکود مواجه است، حذف این رویداد می‌تواند ضربه‌ای جدی به زیست نشر وارد کند. هزینه‌های مربوط به نشریه روزانه و برنامه‌های رسانه‌ای یا برخی برنامه‌های میدانی، بی‌تردید باید با شاخص اثرگذاری سنجیده شوند. اگر خروجی متناسب با هزینه نبوده، راه‌حل آن شفاف‌سازی بیشتر و چابک‌سازی ساختار اجرایی است، نه تضعیف اصل رویداد. همین‌طور در مورد رویداد جهانی کتاب کودک یا دعوت از مهمانان خارجی، پرسش درباره میزان دستاورد و نحوه توزیع فرصت‌ها کاملاً بجاست. اما اگر ایسن بخش‌ها با برنامه‌ریزی دقیق‌تر، مشارکت گسترده‌تر ناشران و گزارش‌دهی روشن همراه شوند، می‌توانند سکوی ورود نشر ایران به بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی باشند. نمایشگاه کتاب، بالقوه مهم‌ترین ابزار دیپلماسی فرهنگی کشور است؛ ظرفیتی که هنوز به‌طور کامل بالفعل نشده است.

یک رخداد اجتماعی، نه صرفاً اقتصادی

نمایشگاه کتاب تهران صرفاً محل فروش کتاب نیست؛ یک آیین جمعی است. حضور خانواده‌ها، دانش‌آموزان، نویسندگان، مترجمان و ناشران در یک فضای مشترک، تجربه‌ای است که در هیچ بستر مجازی تکرار نمی‌شود. برای نسل‌های مختلف، خاطره نمایشگاه

می‌کند. اینجا خبری از لوکیشن‌های لوکس، دیالوگ‌های کلیشه‌ای عاشقانه و موقعیت‌های از پیش طراحی شده نیست.

برتری محتوایی «مو به مو» را می‌توان در دو شاخصه اصلی خلاصه کرد: نخست، روایت رئالیستی همراه‌کننده و دوم، تصویر باورپذیر از جامعه معاصر ایران. شهبازی با تسلط مثال‌زدنی، جامعه ایران امروز را با تمام تضادهایش در قاب می‌گیرد. او قهرمان نمی‌سازد بلکه انسان‌هایی زنده و خاکستری خلق می‌کند. در مرکز این روایت، «منصور» با بازی بسیار خوب میرسعید مولویان قرار دارد. مردی که نماینده نسلی از انسان‌های این شهر است؛ کسانی که یک عمر در حسرت زندگی بهتر، در پیج‌وخم هوس، طمع، خشم و استیصال دست‌وپا می‌زنند.

شاید مهم‌ترین دستاورد «مو به مو» در شخصیت‌پردازی منصور، نزدیک شدن به همان گمشده سینمای اجتماعی است: روایت انسان معاصر گرفتار در هزارتوی خواستن‌ها و نداشتن‌ها، کسی که در راه ثروت، از چشم‌پوشی از عزیزترین داشته خود، یعنی فرزند هفت ساله‌اش هم ابا ندارد. اینجا سانتی‌مانتالیسم جایی ندارد و شعار، قربانی باورپذیری نشده است.

شناسه آگهی: ۲۱۳۲۶۷۱

نوبت اول

آگهی عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره ۱۴۰۴/۸۸۸

شماره فراخوان: ۲۰۰۴۰۹۳۵۶۷۰۰۰۱۸۰

شرکت نفت و گاز اروندان (مناقصه گزار) در نظر دارد خدمات موضوع فوق را از طریق شرکت های واجد صلاحیت داخلی (بیماتکل) تأمین نماید.بدین وسیله از کلیه شرکت هایی که دارای شرایط ذیل می باشند دعوت می گردد اسناد و مدارک خود را بر اساس استعلام ارزیابی کیفی، برای ارزیابی و تعیین صلاحیت به این امور ارسال نمایند.

الف- موضوع مناقصه عبارت است از: خدمات بهره برداری از تأسیسات سطح الارضی میدان نفتی آزادگان شمالی ب- **برآورد مالی مناقصه:** برآورد کلی مناقصه ۱۹۰۷۸۱۶۱۲،۱۹۴۱،۱ بیست هزار و نهصد و چهل و یک میلیارد و یکصد و نوزده میلیون و هفتصد و هشتاد و یک هزار و شصتد (دوازده) ریال می‌باشد.

ج- نوع و میزان تضمین شرکت در مناقصه: از نوع سپرده (واریز وجه نقد) و یا ضمانت نامه بانکی به میزان ۱۹۷۸۱۶۱۱،۱۹۷۸۱۶ (دویست و هشتاد و سه میلیارد و یازده میلیون و یکصد و نود و هفت هزار و هشتصد و شانزده) ریال می‌باشد.

د- مدت اجرای قرارداد: دو (۲) سال

ر- شرایط الزامی برای ورود به مرحله ارزیابی کیفی (در صورت عدم دارا بودن و یا عدم ارائه هر کدام از موارد ذیل، ارزیابی کیفی آن شرکت انجام نخواهد شد).

❖ گواهینامه صلاحیت رتبه ۲ و یا بالاتر در رشته نفت و گاز، زیر رشته‌های: (تأسیسات فرآیندی نفت و گاز و پتروشیمی- خطوط و تأسیسات انتقال و ذخیره سازی- بهره برداری، تعمیر و نگهداری)-از سازمان بودجه کشور، با ظرفیت آزاد ❖ تجربه انجام کار در حوزه بهره برداری، تعمیرات و نگهداری در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی

ز- معیارهای ارزیابی کیفی:

۱) تجربه و دانش در زمینه مورد نظر
۲) حسن سابقه در کارهای قبلی

۳) توان مالی

۴) توان تجهیزاتی

۵) توان فنی و برنامه ریزی

۶) دانش فنی در زمینه مطالعه و طراحی

۷) تجربه در زمینه تأمین کالا

۸) توان مدیریتی



شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت و گاز اروندان

کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی از طریق درگاه سامانه مدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس **www.setadimir.com** انجام خواهد شد. تاریخ درج آگهی نوبت اول و انتشار فراخوان در سامانه، مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۵ می‌باشد. متقاضیان می‌توانند برای دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی به سامانه ستاد به آدرس اینترنتی فوق‌الذکر مراجعه نمایند. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه متحقق سازند.

تذکره ۱:

با توجه به تصمیم مناقصه‌گزار مبنی بر عدم واگذاری همزمان بیش از دو قرارداد با موضوع بهره برداری، تعمیر و نگهداری (O&M) و تعمیر و نگهداری (M) به یک شرکت بیماتکلاری، مناقصه گرانی که در حال حاضر دو قرارداد جاری با مناقصه گزار دارند از فرآیند این مناقصه کنار گذاشته خواهند شد.

تذکره ۲:

کلیه ضمانت نامه‌های صادره از صندوق پژوهش و فناوری صنعت نفت قابل پذیرش و کلیه ضمانت‌نامه‌های صادره از بانک‌های سپه و پاسارگاد غیرقابل پذیرش می‌باشند.

تذکره ۳:

در کلیه مراحل برگزاری مناقصه، اسناد و مدارک بارگذاری شده بر روی سامانه ستاد از طرف متقاضیان/ مناقصه گران شرکت کنندد در مناقصه مورد ارزیابی قرار می گیرد و بررسی و ارزیابی هرگونه نامه و مستندی خارج از چارچوب سامانه ستاد انجام نخواهد گرفت و هیچ گونه اعتراضی از این باب مسموع نیست.

تذکره ۴:

در این مناقصه پذیرش گروه مشارکت (کنسرسیوم) مدنظر نیست، بنابراین متقاضیان با لحاظ شرایط مندرج در آگهی و اسناد ارزیابی کیفی و بصورت انفرادی مجاز به شرکت در مناقصه می باشند.

بدیهی است انتشار این آگهی صرفاً به منظور شناسایی و ارزیابی متقاضیان طبق قانون برگزاری مناقصات بوده و ارسال اسناد و مدارک فوق‌الذکر هیچگونه حقی برای متقاضیان در مقابل این شرکت ایجاد نمی‌کند. ضمناً هزینه درج آگهی بعهدہ برنده مناقصه است. متقاضیان در صورت داشتن هرگونه سوال می‌توانند با شماره تلفن‌های (۰۶۱-۳۲۱۱۲۱۶۱) و (۰۶۱-۳۲۱۱۲۱۶۰) تماس حاصل نمایند.

آدرس وب سایت: AOGC.ir

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان

خدا حافظی وریا

وریا غفوری به ناگهان
از تیم استقلال کنار گذاشته شد

وریا در حالی یکشنبه شب به اتاق کنفرانس خبری بعد از بازی با مس رفسنجان پا گذاشت، که از هرسو تحت فشار قرار داشت، اما او در حالی که تلاش



امید ذاکری نیا
گروه فرهنگ

کرد تا آرام و منطقی باشد، این نشست خبری را تبدیل به تریبون برای پاسخگویی به اتهامات و دفاع از کارنامه و عملکردش کرد. او در طول دوران فوتبالش نشان داد که یک عملکرد واقعی است و از موقعیت و محبوبیت حاصل از حضورش در باشگاه استقلال و تیم ملی در جهت خواست جامعه استفاده کرده است. همین موضوع او را خیلی زود تبدیل به یک چهره محبوب و فراتر از تعلقات رنگی کرد، آن هم در حالی که در دوران فوتبالش، یک مدافع راست بود، نه یک مهاجم گلزن یا بازیکنی همه فن حریف که تماشاگران را با تکنیکش به وجد می آورد. او یک کاپیتان واقعی بود که تیمش را مدیریت و رهبری می کرد و در زمان درست واکنش داشت. در سال ۱۳۹۸ که او به خاطر مرگ تلخ و دردناک سحر خدایاری، هوادار استقلال که دست به خودکشی زد، هرچند مورد انتقاد از سوی برخی رسانه ها قرار گرفت، اما نقش پررنگی در ابراز حمایت و همدردی کل تیم با این حادثه داشت. موضوعی که نام وریا را از سکوی تیفوسی های آبی ورزشگاه آزادی و سایتها و روزنامه های ورزشی فراتر برد. با این وجود، عمر سرمربیگری وریا غفوری در استقلال، تنها یک هفته بود. او البته اولین تجربه سرمربیگری روی نیمکت تیم محبوبش را با برد پست سر گذاشت. کارنامه این بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران، تنها به فعالیت ورزشی و فوتبالی او محدود نمی شود. او شاید یکی از آخرین کاپیتان های محبوب ورزش ایران بود که تصمیم گرفت، همزمان خارج از زمین فوتبال نیز مسئولیت پذیر باشد.

حمله همه جانبه

وریا غفوری طی دو ماه اخیر، از جهات مختلف تحت فشار مضاعف قرار گرفته است. روز ۲۸ دی، استقلال در یک مسابقه حساس لیگ برتر به مصاف تراکتور رفت و در این بازی توانست دروازه حریف را باز کند. هرچند این گل توسط وی ای. آر. مردود اعلام شد، اما پیش از آن کادرفنی استقلال از بهر رسیدن ابراز خوشحالی کرد، که در بین آنها وریا غفوری هم حضور داشت. موضوعی که باعث شد محمد تقوی و مزدک میرزایی، در برنامه شان در شبکه اینترنتی شان به او و برخی دیگر مانند بیژن طاهری و مجتبی جباری، سرمربی وقت مس رفسنجان، به شدت حمله کردند. حمله ای که وریا و دیگران را به ناپدید شدن خون های ریخته شده در حوادث اخیر متهم می کرد. این در حالی است که وریا پیش از آن، از سوی حاکمیت هم تحت فشار قرار داشت. کافه های او به علت همدردی با حوادث و کشته شدن پلمب شدند و برخی محدودیت ها شامل حالش شد و همه می دانند که این همه ماجرا درباره او نیست.

آخرین صحنه

در شبی که استقلال بحران زده توانست با هدایت او، مس رفسنجان را شکست داده و صدرنشین لیگ برتر شود، او با لباس گرم کن و همان چهره پوکریس به محل کنفرانس خبری آمد. حالا سرمربی تیم بود و کلیت صحنه در اختیارش قرار داشت. اما جالب است که در پیش مستقیم مسابقه از سوی تلویزیون سانسور شده بود. موضوعی که صدای باشگاه استقلال را در آورد و آنها در این رابطه بیانیه ای منتشر کردند: حذف نام و تصویر وریا غفوری قابل قبول نیست. در جریان این مسابقه وریا غفوری مربی تیم فوتبال استقلال که مسئولیت هدایت تیم را برعهده داشت، به شکلی عجیب و غیر قابل توجیه مورد بی توجهی کامل قرار گرفت، به گونه ای که نه تصویر ایشان از روی نیمکت توسط کارگردان تلویزیونی به نمایش در آمد، نه گزارشگر مسابقه اشاره ای به حضور وی داشت و نه در استودیو برنامه پخش زنده، پیش و پس از مسابقه نام و تصویری از مربی تیم استقلال مطرح شد. باشگاه استقلال این رویکرد را غیر حرفه ای، غیر منصفانه و مغایر با اصول اولیه اطلاع رسانی ورزشی می داند و انتظار دارد مدیران و مسئولان شبکه سه سیما، در این خصوص شفاف سازی کرده و توضیحات لازم را ارائه دهند تا از تکرار چنین مواردی در آینده جلوگیری شود. جالب است که وریا در حالی پا به



کنفرانس مطبوعاتی گذاشت که نود دقیقه توسط رسانه ملی سانسور شده، و ضمن حملات شدید اینترنتی، تحت اتهاماتی از سوی ریکاردو ساینو، سرمربی اتریشی استقلال قرار گرفته بود. او اما صحنه ای را که در اختیارش قرار گرفته بود، به دست گرفت: «از همین جا اعلام می کنم حداقل در این برهه، مأموریت دیگری در استقلال ندارم. بازوند این تیم قیمت ندارد و این بازوند را گذاشتم و رفتم. حضور در تیم ملی قیمت ندارد، ولی گذاشتم و رفتم. من هیچ وقت به خاطر مادیات کار نمی کنم. همه این را بداند. این روزها افرادی که خارج از کشور هستند و کت و شلوار می پوشند و حقوق های یونانی می گیرند، به من حمله می کنند و می گویند من خون شور و بی شرف هستم. واقعا وقاحت، بی شرمی و نالسانی تا چقدر؟ زندگی من امروز روی هواست. شاید اینجا جایش نبود بگویم ولی باید یک سسری توضیحات را بدهم تا مردم بدانند چه شایعاتی تریبون دارند و حرف می زنند». او سپس در روزی که برنده شده بود و نیازی به توضیحات فنی احساس نمی کرد با بیان اینکه «زندگی شخصی من در این مدت تحت فشار بوده است» با ماجرای بسته شدن کافه های او و همچنین ضرر ۱۵ میلیاردی اش اشاره کرد و در نهایت گفت: «همیشه در صف مردم بودم».

آغاز وریا غفوری

یکشنبه شب وریا در فرودگاه با بازیکنان تیم استقلال خدا حافظی کرد و رفت اما بنظر این نه پایان که آغاز او به عنوان یکی از محبوب ترین و مؤثر ترین چهره های ورزشی در سال های اخیر باشد. او اما یکی از سر ماهی های است که هر قدر از روی سکوها و از سمت جامعه، انرژی مثبت دریافت کرد، از سوی مسئولان و مدیران با چالش مواجه شد. وریا مانند علی دایی و بسیاری از ورزشکاران محبوب، مانند در ایران را انتخاب کرده است، هرچند مجموعه این فشارها و محدودیت ها تا امروز، نتیجه ای جز خروج جمعی از بهترین و مؤثر ترین چهره های ورزشی و اجتماعی از کشور نداشته است.



فعالی نشر، به سادگی نخواهد شد. واقعیت این است که طی سه دهه گذشته، هیچ تحول دیگری در حوزه کتاب به اندازه نمایشگاه بین المللی کتاب تهران تأثیرگذار نبوده است. نه سیاست های مقطعی حمایتی، نه طرح های پراکنده توزیع رایانه، و نه برنامه های محدود رسانه ای، هیچ کدام نتوانسته اند چنین تمرکز توجه ملی بر کتاب ایجاد کنند. این رویداد، هر سال کتاب را به مسئله روز جامعه بدل می کند. در شرایطی که صنعت نشر با فشار اقتصادی، افزایش هزینه تولید و کاهش قدرت خرید مواجه است، نمایشگاه کتاب تهران بیش از هر زمان دیگری به عنوان یک «تفنگس گاه سالانه» عمل می کند. این رویداد شاید کامل نباشد، شاید نیازمند بازیگری جدید در ساختار اجرایی و هزینه ها باشد، اما همچنان مهم ترین سکوی ملی کتاب در ایران است. نقد باید بماند؛ پرسشگری باید ادامه یابد؛ شفافیت باید عمیق تر شود. اما در نهایت، دفاع از نمایشگاه کتاب دفاع از امکان گفت و گو، دسترسی و حیات فرهنگی است. راه درست، تخریب این سرمایه نیست، بلکه ارتقای آن است. نمایشگاه کتاب تهران، با همه ضعفها، همچنان بزرگترین و مهم ترین تحول حوزه کتاب در ایران معاصر است؛ رویدادی که باید آن را کارآمدتر کرد، نه کوچکتر.

بخشی از حافظه فرهنگی آنان است. این سرمایه نمادین را نمی توان با ستون های حسابداری اندازه گرفت. در بسیاری از کشورها، رویدادهای بزرگ کتاب حتی اگر از نظر مالی سودآور نباشند به عنوان سرمایه فرهنگی ملی حفظ می شوند، زیرا کارکرد آنها فراتر از سود و زیان سالانه است. نمایشگاه کتاب تهران نیز در همین چارچوب قابل فهم است. بستری برای تثبیت جایگاه کتاب در سپهر عمومی.

مهم ترین تحول حوزه کتاب

اگر امروز نقدی وجود دارد، باید آن را به سکوی اصلاح تبدیل کرد. نمایشگاه می تواند از یک «بازار فصلی» به یک «پلتفرم راهبردی نشر» ارتقا یابد. باید به تقویت بخش حقوق نشر و کپی رایت، ایجاد نشست های حرفه ای تخصصی برای صنف، اتصال جدی تر نمایشگاه حضوری و مجازی، کاهش هزینه های کم اثر و تمرکز بر بخش های مولد و افزایش شفافیت مالی در همه سطوح پرداخت. اما هیچ یک از این اهداف با تضعیف اصل نمایشگاه محقق نمی شود. برعکس، حذف یا کم رنگ کردن آن، خلأیی ایجاد می کند که در شرایط

خلافت در اجرا

یکی از جذاب ترین نقاط قوت سریال، طراحی هوشمندانه کاراکتر «دوقلوهای جلال» با بازی بسیار خوب حسن معجونی است. این دو شخصیت که همزمان ترسناک، خنده دار و عمیقاً تأثیرگذار هستند، به نمادی از جبر و سرنوشت در قوه تبدیل شده اند. در کنار آنها، هانیبه توستلی بازی متفاوتی ارائه داده که می توان آن را یکی از برگ های برنده سریال دانست. همچنین بازیگران تازه کار و یا کمتر شناخته شده مجموعه (نقش متین دوست منصور، آناهیتا و دیگران) به خوبی در خدمت فضا سازی رئالیستی کار قرار گرفته اند و می توان پیش بینی کرد که «مو به مو» برای بسیاری از آنها، سکوی پرتابی به سوی نقش های بزرگتر خواهد بود.

نقص های یک کار موفق

در عین حال، «مو به مو» بی عیب هم نیست. در برخی قسمت ها، شاهد الصاق برخی موقعیت ها و پیشش های داستانی هستیم که به نظر می رسد پشتوانه منطقی لازم را ندارند و زمان کافی برای باور پذیری آنها صرف نشده است. هرچند نمی توان این ضعف را به کل سریال تعمیم داد و در برابر نقاط قوت بسیارش، قابل چشم پوشی است، اما نشان می دهد که حتی یک کارگردان باتجربه نیز گاهی در حفظ انسجام همه عناصر داستان با چالش مواجه می شود.

چشم انداز پایانی

ده قسمت از سریال گذشته و حالا مخاطبان مشتاقانه منتظرند تا ببینند شهبازی برای قسمت های پایانی چه راهی در نظر گرفته است. هنوز مشخص نیست «مو به مو» در همین فصل به پایان می رسد یا راه را برای فصل های بعدی باز می گذارد. چیزی که واضح است، بازگشت فیلم سازی است که نشان داد همچنان می تواند آن شگفتی ساز باشد؛ این بار در قامت سریال سازی که فارغ از شوخی های مرسوم، حرفی برای گفتن دارد و به مخاطبش احترام می گذارد.



شناسه آگهی: ۲۱۳۵۶۵ نوبت اول

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای تقاضای شماره ۴۰۳۰۴۵۴ خرید تیوپ چاه های ژوراسیک

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره برداری نفت و گاز مسجدسلیمان (مهامی خاص)

پس از فروش، اقدام نمایند و می بایست ظرف مدت ۱۴ روز پس از اتمام مهلت اولیه، نسبت به برگزاری فرم های مذکور به همراه مدارک و مستندات تکمیلی مطابق با استانداردهای شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب و بر اساس موارد مندرج در جدول ارزیابی کیفی (برای معاملات کمتر از بیست برابر معاملات متوسط) در سامانه ستاد اقدام نمایند.

- شرط دریافت اسناد مناقصه توسط مناقصه گران کسب حداقل امتیاز ۵۵ از ۱۰۰ از ارزیابی کیفی می باشد «دریافت امتیاز مذکور بر اساس شاخص های اعلام شده در جدول ارزیابی کیفی می باشد.»
- اسناد و مدارک مناقصه پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه، از طریق سامانه ستاد برای مناقصه گران واجد شرایط ارسال خواهد شد.
- ضمناً مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۴۵۵۰۰۰۰۰ ریال می باشد.
- کلیه مدارک ارزیابی کیفی در قالب یک فایل PDF در سامانه ستاد بارگزاری گردد. ضمناً مدارک بصورت دسته بندی شده و منطبق با شاخص های اعلام شده مطابق جدول موجود در کتابچه مدارک استعلام ارزیابی کیفی مناقصه گران، بارگزاری گردند.

آدرس: مسجدسلیمان - باغ ملی میدان شهدای نفت - اداره تدارکات و امور کالا - شرکت بهره برداری نفت و گاز مسجدسلیمان کد پستی ۶۴۹۱۶-۴۱۱۱۳ تلفن شرکتی ۲۲۵۲۲-۲۲۵۲۱ تلفنکس: ۰۶۱-۴۲۲۱۱۹۱۸

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	تعداد ارقام	مدت زمان تحویل کالا	حداقل امتیاز ارزیابی کیفی قابل قبول	شماره فراخوان در سامانه ستاد	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار
۴۰۳۰۴۵۴	خرید تیوپ چاه های ژوراسیک	۱	۹۰ روز	۵۵	۲۰۴۰۹۳۹۴۰۰۱۸۳	۴۵۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال

کلیه مناقصه گرانی که فعالیت آنها مرتبط با شرح کالای مورد درخواست می باشد می توانند ظرف مدت ۱۴ روز از جاب آگهی نوبت دوم با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir، نسبت به چاپ و تکمیل فرم های شماره ۳ و ۴ شامل تمهید نامه ارائه کالا و خدمات تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

سال سخت

متغیرهای اقتصاد چه مسیری را پیمودند؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

سال ۱۴۰۴ را می‌توان یکی از دشوارترین سال‌های اقتصادی در نیم‌قرن اخیر ایران دانست. سالی که همزمانی فشارهای تورمی، نوسانات ارزی، محدودیت‌های بودجه‌ای و تداوم نااطمینانی‌های ساختاری، محیط تصمیم‌گیری خانوارها، بنگاه‌ها و دولت را پیچیده‌تر از همیشه کرد. در چنین شرایطی، پرسش اصلی این است که متغیرهای کلان اقتصادی در این سال چگونه عمل کردند و آیا نشانه‌ای از ثبات و بهبود بروز دادند یا بر شدت ناپایداری‌ها افزودند؟ نخستین شاخص تعیین‌کننده، رشد اقتصادی است. در سال ۱۴۰۴ رشد تولید ناخالص داخلی با ناهمگونی قابل‌توجهی میان بخش‌ها همراه بود. بخش نفت و صنایع وابسته به آن تحت تأثیر محدودیت‌های صادراتی و نوسانات بازارهای جهانی، عملکردی پر نوسان داشتند. در مقابل، بخش خدمات که سهم بالایی در اشتغال دارد تحت‌فشار کاهش قدرت خرید خانوارها و افت تقاضای مؤثر با رشد محدودی تا حتی رکود مواجه شد. بخش صنعت نیز با چالش‌هایی نظیر کمبود سرمایه در گردش، اختلال در زنجیره تأمین و نااطمینانی‌های ارزی روبه‌رو بود. در مجموع، رشد اقتصادی اگرچه ممکن است در ظاهر مثبت بوده باشد اما کیفیت آن شکننده و وابسته به عوامل بیرونی باقی ماند. تورم همچنان مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر زندگی مردم بود. نرخ تورم سالانه در سطحی بالا تثبیت شد و تورم نقطه‌به‌نقطه در برخی ماه‌ها به اوج‌های جدیدی رسید. رشد مداوم قیمت کالاها، اساسی، مسکن و خدمات، فشار مضاعفی بر دهک‌های پایین درآمدی وارد کرد و فاصله طبقاتی را تشدید کرد. انتظارات تورمی نیز به‌دلیل بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری و نوسانات بازار ارز در سطح بالایی باقی ماند. در چنین فضای، مهار تورم به یکی از چالش‌های اصلی سیاست‌گذار پولی بدل شد. در حوزه پولی، رشد نقدینگی و پایه پولی همچنان از عوامل تعیین‌کننده مسیر تورم بودند. کسری بودجه دولت و اتکال غیرمستقیم به منابع بانکی بر حجم نقدینگی افزود. اگرچه تلاش‌هایی برای کنترل رشد ترانزاکشن بانک‌ها و انضباط پولی صورت گرفت اما ساختار ناتراز شبکه بانکی و فشارهای مالی دولت، کارایی این اقدامات را محدود کرد. نتیجه آن بود که سیالیته بالایی پول در اقتصاد همچنان به تغذیه انتظارات تورمی کمک کرد. بازار ارز در سال ۱۴۰۴ یکی از کانون‌های اصلی بی‌ثباتی بود. نرخ ارز بازار آزاد با نوسانات شدید همراه شد و شکاف میان نرخ‌های رسمی و غیررسمی تداوم یافت. این شکاف علاوه بر ایجاد رانت و بی‌انضباطی در تخصیص منابع، پیش‌بینی‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی را کاهش داد. افزایش نرخ ارز به‌طور مستقیم هزینه واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای را بالا برد و از این مسیر بر قیمت تمام‌شده تولید داخلی اثر گذاشت. در بازار کار، نرخ بیکاری رسمی ممکن است، تغییرات شدیدی نشان ندهد باشد اما کاهش کیفیت اشتغال، رشد مشاغل غیررسمی و افت درآمد واقعی نیروی کار، نشانه‌هایی از فشار پنهان در بازار کار بود. نرخ مشارکت اقتصادی نیز تحت تأثیر نااطمینانی‌ها و کاهش انگیزه جست‌وجوی کار در برخی گروه‌ها نوسان داشت. به‌ویژه جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با محدودیت فرصت‌های شغلی مناسب روبه‌رو بودند.

در حوزه مالی عمومی، بودجه دولت با محدودیت‌های جدی مواجه بود. تحقق درآمدهای نفتی و مالیاتی کمتر از پیش‌بینی‌ها، فشار بر هزینه‌های جاری و عمرانی را افزایش داد. در نتیجه، یا پروژه‌های عمرانی با کنده اجرا شدند یا کسری بودجه از مسیرهای غیرمستقیم تأمین مالی شد که خود به فشارهای پولی دامن زد. افزایش بدهی دولت به شبکه بانکی و صندوق‌های بانکشستگی نیز از دیگر پیامدهای این وضعیت بود. در نهایت بازارهای دارایی همچون بورس، مسکن و طلا نیز تحت تأثیر تورم و انتظارات ارزی قرار داشتند. این بازارها بیش از آنکه محل تأمین مالی تولید باشند به پناهگاه‌های حفظ ارزش دارایی تبدیل شدند. چنین وضعیتی نشان می‌دهد که نااطمینانی ساختاری همچنان بر تصمیمات سرمایه‌گذاری سایه انداخته است. در مجموع، سال ۱۴۰۴ سالی بود که در آن برخی شاخص‌ها ممکن است، نشانه‌هایی از تاب‌آوری نشان داده باشند اما تصویر کلی اقتصاد همچنان از شکنندگی، تورم بالا و بی‌ثباتی حکایت داشت. پاسخ به پرسش اصلی این گزارش آن است که متغیرهای کلان بیش از آنکه پیام‌آور ثبات باشند، استمرار چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران را بازتاب دادند؛ چالش‌هایی که حل آنها نیازمند اصلاحات عمیق در سیاست‌های پولی، مالی و نهادی است.

خدا حافظی با تولی پرس

چرا بنگاه‌های ایرانی یکی‌یکی از پا می‌افتند؟

فریده اسکندری

گروه اقتصاد

برند خاطر‌انگیز دیگری که چند نسل با آن خاطره داشت، روی از تولید برکشید و برای همیشه به محاق تعلیق فرو رفت. تولی پرس برای ما خیلی خاطر‌انگیز است، تبلیغات گسترده‌اش در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ را هنوز از یاد نبرده‌ایم و با خاطر اتش سال‌ها زندگی کرده‌ایم. انتشار خبر تعطیلی کارخانه «تولی پرس» به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین برندهای ایرانی بار دیگر موضوع سرنوشت برندهای بخش خصوصی را به صدر توجه افکار عمومی و کارشناسان اقتصادی آورد. این خبر نه‌تنها برای مصرف‌کنندگان که سال‌ها با محصولات این شرکت خاطره داشته‌اند، قابل تأمل بود بلکه برای سیاست‌گذاران نیز هشدار جدی تلقی می‌شود؛ هشدار مبنی بر اینکه مداخلات نادرست و بی‌ثباتی‌های محیط کسب‌وکار می‌تواند حتی با سابقه‌ترین بنگاه‌ها را نیز در معرض افول قرار دهد.

شرکت «تولیددارو» که به خانواده کارآفرین خسروشاهی تعلق داشت، در سال ۱۳۴۳ راه‌اندازی واحدی با نام «واحد دترجنت» وارد صنعت شوینده شد و در همان سال نخستین محصول خود، پودر لباسشویی «دریا» را با عنوان «کاروان دریا» به بازار عرضه کرد. با افزایش تقاضای بازار و ضرورت توسعه ظرفیت و تنوع محصولات، واحد دترجنت تولیددارو در قالب شرکتی

مستقل با نام «تولی پرس» به ثبت رسید. این شرکت با ظرفیت سالانه ۷۵ هزار تن انواع پودر لباسشویی، فعالیت خود را گسترش داد و در سال ۱۳۵۲ به شهر صنعتی البرز در قزوین منتقل شد. تولی پرس در این دوره با تولید محصولاتی همچون پودر لباسشویی «دریا» و «تک»، پودر ماشین لباسشویی «شوما»، مایع ظرفشویی «جام» و «آبشار»، نرم‌کننده «هاله» و سفیدکننده «زدا» توانست، جایگاه قابل‌توجهی در بازار داخلی به‌دست آورد و به یکی از برندهای شاخص صنعت شوینده کشور تبدیل شود. پس از انقلاب اسلامی در جریان مصادره اموال و دارایی‌های برخی فعالان اقتصادی، این شرکت نیز به‌همراه سایر بنگاه‌های متعلق به خانواده خسروشاهی مصادره شد.

این شرکت از برندهای قدیمی صنعت شوینده در ایران به‌شمار می‌رود که دهه‌ها در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی حضور داشته است. این شرکت در دوره‌ای شکل گرفت که تولید صنعتی داخلی در حال گسترش بود و بسیاری از برندهای خصوصی با اتکا به سرمایه‌گذاری کارآفرینان داخلی پا گرفتند. تولی پرس طی سال‌های فعالیت خود توانست با توسعه خطوط تولید و شبکه توزیع، جایگاه تثبیت‌شده‌ای در بازار به‌دست آورد و به یکی از نام‌های آشنا در صنعت شوینده تبدیل شود. همین سابقه طولانی و پیوند ذهنی با مصرف‌کنندگان، خیر تعطیلی آن را برجسته‌تر کرده است. با این حال از نگاه بسیاری از اقتصاددانان، تعطیلی یا افول چنین بنگاه‌هایی صرفاً نتیجه تحولات طبیعی بازار نیست. در اقتصادهای رقابتی، خروج بنگاه‌ها می‌تواند

بازار سهام

روز بهتر بازار

نوار رشد بازار سهام چگونه قطع شد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

مبادلات دیروز بورس تهران درحالی به پایان رسید که شاخص کل بورس با افزایش ۶۱ هزار و ۶۵۵ واحدی معادل ۱۰۷ درصد در سطح ۳ میلیون و ۶۸۰ هزار و ۱۳۶ واحد ایستاد و یک روز صعودی را به ثبت رساند. شاخص کل هم‌وزن نیز با رشد ۸ هزار و ۵۲۸ واحدی معادل ۰.۹۱ درصد به عدد ۹۵۰ هزار و ۲۲۱ واحد رسید تا کلیت بازار سهام در محدوده مثبت تثبیت شود.

روند معاملات دیروز، نشان داد که اگرچه بازار در ساعات ابتدایی با شتاب بیشتری صعود کرده بود اما در ادامه بخشی از رشد ثبت شده، تعدیل شد. شاخص کل در مقاطعی از معاملات بیش از ارقام پایانی رشد داشت اما با افزایش عرضه‌ها در نیمه دوم بازار، بخشی از مسیر صعودی اصلاح شد و نماگر اصلی با

ناشی از ناکارآمدی، تغییر فناوری یا جابه‌جایی ترجیحات مصرف‌کننده باشد؛ اما در ایران، مرور روند شکل‌گیری و تضعیف برندهای قدیمی نشان می‌دهد که عوامل ساختاری و سیاستی، نقش پررنگ‌تری ایفا کرده‌اند. سیاست‌هایی نظیر ملی‌سازی‌های گسترده، مصادره دارایی‌ها پس از انقلاب، بی‌ثباتی مقررات، قیمت‌گذاری دستوری، محدودیت‌های ارزی، دشواری تأمین مالی و نااطمینانی‌های مزمن، فضای فعالیت بخش خصوصی را به‌تدریج محدود کرده است. در چنین شرایطی حتی بنگاه‌هایی با سابقه طولانی و سرمایه اجتماعی بالا نیز با کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، افت توان رقابت و فرسایش تدریجی روبه‌رو می‌شوند. به بیان دیگر، مرگ برندهای قدیمی در ایران را نمی‌توان پدیده‌ای کاملاً طبیعی و ناشی از سازوکار بازار دانست؛ بلکه باید آن را در چارچوب محیط نهادی و سیاستی تحلیل کرد. تجربه



تولی پرس نمونه‌ای است که نشان می‌دهد، دوام برندها صرفاً به قدمت و شهرت آنها وابسته نیست بلکه بیش از هر چیز به ثبات قوانین، احترام به مالکیت خصوصی و فراهم بودن فضای رقابتی سالم بستگی دارد.

این نخستین‌بار نیست که برندی در رسانه‌ها می‌میرد. در سال‌های گذشته، اخبار مشابهی درباره برندهای نام‌آشنا خوانده‌ایم. روزی مراسم ختم «ارح» برگزار شده و روزی دیگر برای «کفش ملی» مراسم ترحیم گرفته‌اند. روزی آگهی درگذشت «آزمایش» در روزنامه‌ها منتشر شده و روز بعد خبر مرگ «پارس الکتریک» را شنیدیم. واکنش برخی افراد به این خبرها، تأسّف است و از اینکه یک برند معروف می‌میرد احساس ناراحتی می‌کنند. اما برخی هم مرگ برندها را طبیعی می‌دانند و معتقدند با کنار رفتن یک برند زیان‌ده و غیر قابل اصلاح از اتلاف منابع جلوگیری می‌شود و جا بسرای برندهای جوان‌تر باز می‌شود. برخی از تحلیلگران ریشه اصلی گرفتاری بنگاه‌هایی نظیر تولی پرس یا داروگر را در مصادره‌های ابتدای انقلاب می‌دانند و معتقدند اگر از مشکلات زیادی که گریبان بنگاه‌های معروفی مانند ارج، آزمایش، پارس الکتریک، کفش ملی و داروگر را گرفت، مخرج مشترک بگیریم، می‌بینیم اغلب آنها در مصادره و سلب مالکیت اشتراک دارند.

اقتصاددانان همچنین معتقدند، سیاست‌هایی که به انزوای ایران منجر شد و تحریم‌ها را تشدید کرد در کنار سیاست‌گذاری‌های غلط سال‌های گذشته، ضربه‌های کاری‌تری از مصادره و سلب مالکیت به بنگاه‌ها وارد آورده و آنها را به خاک سیاه نشاند است. به‌طور مثال

سرکوب نرخ ارز و سرکوب قیمت‌ها در عصر پهلوی که پس از انقلاب نیز با شدت بیشتری ادامه پیدا کرد، یکی از دلایل ریشه‌ای تضعیف و مرگ بنگاه‌های ایرانی بوده است. از سوی دیگر سیاست‌های تهاجمی سال‌های گذشته که به انزوا و تحریم ایران منجر شده یکی دیگر از ابرچالش‌هایی است که بنگاه‌ها را به زانو درآورده است. همچنین دولت‌ها که خود مسبب تورم هستند تحت لوای مبارزه با فساد و مبارزه با گرانی به سرکوب قیمت‌ها می‌پردازند که این اقدام نیز موجب زیان بنگاه و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش تولید می‌شود. به هر حال این روزها بنگاه‌های ایرانی دردهای مشترک بسیاری دارند. در معرض انواع ریسک‌های سیستماتیک و غیرسیستماتیک قرار گرفته‌اند، بی‌ثباتی در کشور آزارشان می‌دهد، نااطمینانی و عدم قطعیت چشم‌انداز فعالیت‌شان را تیره و تار کرده، فضای غیررقابتی و انحصار راه تنفس‌شان را بسته و نامساعد بودن فضای کسب‌وکار تداوم حیات‌شان را به‌خطر انداخته است. هیچ کارآفرینی قادر به پیش‌بینی آینده کوتاه‌مدت نیست و هیچ فعال اقتصادی نمی‌تواند خودش و کسب‌وکارش را با سیاست‌هایی که مدام تغییر می‌کند، وفق دهد.

در اثر ناامن شدن محیط اقتصاد کلان و تعمیق بی‌ثباتی در اقتصاد، انگیزه سوداگری در بازارها تشدید شده که نتیجه‌اش کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری بلندمدت است. در حال حاضر حاشیه سود تولید به‌شدت پایین آمده و در مقابل بر جذابیت سوداگری و واسطه‌گری افزوده شده در نتیجه انگیزه سرمایه‌گذاری در تولید از بین رفته است. اما موضوع فقط این نیست؛ اگر چاره‌ای اندیشیده

نشود، روزهای بدتری پیش‌رو خواهیم داشت و شاهد خاموش شدن چراغ خیلی از کسب‌وکارها خواهیم بود. در حال حاضر بسیاری از کارخانه‌ها زیر فشار تحریم و رکود، در حال مرگ هستند. خیلی از کارگاه‌های کوچک و بزرگ مسخری به دلیل تغییر شرایط دارند جان می‌کنند. باغ‌های قدیمی به‌مخاطر کمی خشک می‌شوند و کارخانه‌ها به‌خاطر تحریم و رکود به محاق تعلیق می‌روند.

تصور حال افرادی که این روزها شاهد مرگ کسب‌وکارشان هستند خیلی دردآور است. تصور کن مقابل چشمانت باغ سیب‌ات خشک شود، بازار ۴۰ ساله پسته‌ات از دست برود، کارخانه‌ات به تصرف بانک درآید و کارگاه قالی‌بافی‌ات به دست بسازویفروش‌ها بیفتد. این تصویر امروز کسب‌وکارهای ایرانی است که دست بر قضا مورد تهاجم همزمان چند نیروی ویرانگر قرار گرفته‌اند. آن کس که سال‌ها تلاش کرده و کسب‌وکاری برای خود ایجاد کرده این روزها شاهد مرگ آن است. تصور عمومی این است که کارآفرینان به دلیل خروج ارز با افزایش قیمت زمین و امکان فروش آن، ذی‌نفعان اصلی بد بودن وضع موجود هستند اما این یک واقعیت است که اگر چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی قابل قبول باشد، هیچ‌کس دوست ندارد کسب‌وکارش را به خاک بسپارد. اینکه اقتصاددانان، سرمنشأ همه ناپاکی‌ها را در سیاست‌گذاری می‌بینند، سخن درستی است چون با سیاست‌گذاری درست می‌شود کاری کرد که نفع افراد بد در انجام کار درست باشد، نه مثل امروز که حتی افراد هم خوب ناچارند برای بقا خلاف و خطا کنند.

را می‌توان، نشانه‌ای از افزایش ریسک‌پذیری فعالان بازار در شرایط فعلی دانست. در پایان معاملات دیروز از مجموع نمادهای معامله‌شده در بخش سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی ۵۶۵ نماد در محدوده مثبت و ۲۵۹ نماد در محدوده منفی قرار گرفتند. این ترکیب آماری نشان می‌دهد که فضای عمومی بازار صعودی بوده و رشد شاخص کل تنها محدود به چند نماد بزرگ نبوده است.

تعداد صف‌های خرید نیز به ۱۴۷ نماد رسید، درحالی که ۸۳ نماد با صف فروش مواجه بودند. برتری صف‌های خرید نسبت به صف‌های فروش، بیانگر غلبه تقاضا در بخش قابل‌توجهی از بازار است و نشان می‌دهد، بخش مهمی از سهام در سطوح قیمتی بالاتر با استقبال خریداران همراه بوده‌اند. ارزش سفارش‌های خرید در پایان بازار به ۱ هزار و ۳۵۸ میلیارد تومان رسید، درحالی که ارزش سفارش‌های فروش ۸۸۴ میلیارد تومان ثبت شد. فاصله قابل‌توجه میان این دو عدد حاکی از آن است که تقاضا در ساعت پایانی بازار همچنان برتری داشته و عرضه‌ها نتوانسته‌اند، موازنه را به‌نفع خود تغییر دهند.

با توجه به رشد شاخص‌ها، ورود پول حقیقی و برتری آماری نمادهای مثبت، معاملات دیروز بورس تهران در مجموع با تصویر مثبتی به پایان رسید. هرچند در میانه مسیر بخشی از رشد اولیه تعدیل شد اما بازار در نهایت توانست، روند صعودی خود را حفظ کند و در محدوده‌ای بالاتر از روز گذشته‌اش تثبیت شود.

این تغییر مسیر تقدینگی از ابزارهای کم‌ریسک به سمت سهام

تأیید رسمی

اصغر جهانگیر تداوم بازداشت افراد زیر ۱۸ سال را تأیید کرد

گروه اجتماعی: ایستگاه سخنگویی قوه قضائیه دیروز بالاخره شاهد تأیید رسمی موضوعی بود که طی هفته‌های اخیر، کانون گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای و نگرانی‌های مدنی قرار داشت. اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه، با حضور در میان خبرنگاران، پرده از جزئیات برخورد با افراد زیر ۱۸ سال در نآرامی‌های اخیر برداشت. او با استفاده از کلیدواژه «بچه‌های احساساتی»، تأیید کرد که بخشی از بازداشت‌شدگان حوادث اخیر را نوجوانانی تشکیل می‌دهند که به گفته وی تحت‌تأثیر فضای مجازی قرار گرفته بودند.

روایت رفت در برابر اتهامات جنایی

سخنگوی دستگاه قضا در تشریح وضعیت این نوجوانان بر رویکرد «رافت اسلامی» تأکید کرد. به گفته وی، اکثر این افراد بلافاصله پس از دستگیری توسط ضابطان یا پس از طی اقدامات مقدماتی آزاد شده‌اند. با این حال، جهانگیر وجود «تعداد اندکی» از نوجوانان را که مرتکب «اقدامات جنایتکارانه» شده‌اند، تأیید کرد؛ افرادی که همچنان در بازداشت به‌سر می‌برند و پرونده‌هایشان در جریان رسیدگی است.

بخش مهمی از سخنان جهانگیر به تکذیب یک خبر جنجالی اختصاص داشت. طی روزهای گذشته، ادعایی در فضای مجازی مبنی بر شرط‌گذاری شعب دادرسی شیراز برای آزادی نوجوانان منتشر شده بود. طبق این ادعا، خانواده‌ها

دانشگاه

ملزم به پرداخت ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان ودیعه برای قبولی وثیقه شده بودند. سخنگوی قوه قضائیه این مطلب را «صد درصد کذب» خواند و هشدار داد که مدعیان باید این موضوع را اثبات کنند، در غیر این صورت با اتهام «نشر اکاذیب» مواجه خواهند شد.

واکنش مجلس و وزارت‌خانه

اظهارات دیروز سخنگو درحالی مطرح می‌شود که طی روزهای اخیر، بدنه دولت و مجلس نیز نسبت به این بحران واکنش‌های متفاوتی نشان داده بودند. امین حسین رحیمی، وزیر دادگستری، به‌عنوان مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک پیش‌تر با بازدید از کانون اصلاح و تربیت سعی کرده بود، فضای نگرانی را تطبیف کند. او مدعی شده بود که تلاش دستگاه دیپلماسی قضایی بر این است که تمامی دانش‌آموزان (به‌جز موارد اتهام قتل) به آغوش خانواده بازگردند.

در همین راستا، عثمان سلاری، نایب‌رئیس کمیسیون حقوقی مجلس، با نگاهی فقهی و حقوقی یادآور شده بود که در نظام قضایی ایران برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال اساساً نباید مجازات حبس پیش‌بینی شود و اقدامات تربیتی باید جایگزین برخوردهای پلیسی گردد. اما آمار ارائه شده توسط فرهاد ابراهیم‌پور، عضو کمیسیون آموزش، ابعاد ماجرا را عمیق‌تر نشان داد؛ جایی که وی اعلام کرد ۲۸ درصد از کل بازداشتی‌های دی‌ماه را افراد زیر ۲۰ سال تشکیل می‌دهند.



جنگ آمارها: از ۱۶۰ کشته مدعی تا ۲۲ شهید رسمی

اسا چالش‌برانگیزترین بخشش پرونده نوجوانان در نآرامی‌های اخیر نه در بازداشتگاه‌ها بلکه در آمار جان‌باختگان نهفته است. درحالی که شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان مدعی است، شمار دانش‌آموزان جان‌باخته از مرز ۱۶۰ نفر عبور کرده و برخی گزارش‌های غیررسمی حتی از عدد ۲۰۰ سخن می‌گویند، مقامات رسمی آموزش و پرورش این ارقام را به شدت رد می‌کنند.

حسین صادقی، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی وزارت آموزش و پرورش در آخرین اظهارنظر خود اعلام کرد که لیست جان‌باختگان در حال تدوین است. او با اشاره به دشواری تطبیق کدهای ملی در سامانه «سیدا» تأکید کرد که تا این لحظه، تنها جان‌باختن ۲۲ دانش‌آموز (تحت عنوان شهید) برای این وزارت‌خانه مسجل شده است. تضاد فاحش میان آمار ۳۱۳۱ کشته کل کشور (اعلام شده توسط منابع رسمی) و سهم دانش‌آموزان از این رقم، نشان‌دهنده یک شکاف اطلاعاتی عمیق است که نیازمند شفاف‌سازی دقیق‌تر است.

فناوری

تعیین تکلیف صداوسیما برای رسانه‌ها

غلبه نگاه انتظامی بر رویکرد حمایتی

طرح «قانون حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» که این روزها در مسیر بررسی نهایی در مجلس قرار دارد همچنان با واکنش‌ها و انتقادهای کارشناسان و فعالان صنعت رسانه روبه‌روست. این طرح که مسئولیت تنظیم‌گری، صدور مجوز و نظارت بر رسانه‌های کاربرمحور و ناشرمحور و شبکه نمایش خانگی را به صداوسیما واگذار می‌کند از سوی برخی صاحب‌نظران دارای ایرادهای حقوقی و اجرایی دانسته شده است. منتقدان می‌گویند، ابهام در تعریف «صوت و تصویر فراگیر» و نیز غلبه نگاه انتظامی بر رویکرد حمایتی از چالش‌های اصلی آن به‌شمار می‌رود. در همین زمینه سعید رجبی‌فروتن، دبیر جامعه تشکل‌های صنفی تخصصی رسانه‌های تصویری با اشاره به ماده ۲ طرح، واگذاری تنظیم‌گری رسانه‌های دیگر به صداوسیما را موجب تعارض منافع دانست و تأکید کرد: صداوسیما خود یک رسانه است و از نظر حقوقی نمی‌تواند برای سایر رسانه‌ها تکلیف تعیین کند. به گفته او، در قانون اداره صداوسیما نیز چنین وظیفه‌ای پیش‌بینی نشده و در صورت تصمصق قانون‌گذار، ابتدا باید قانون موجود اصلاح شود. به اعتقاد این کارشناس رسانه، گستره وظایف فعلی صداوسیما شامل اداره ده‌ها شبکه رادیویی و تلویزیونی خود نشان می‌دهد، افزودن مأموریت‌های جدید منطقی و قابل تحقق نیست. او همچنین پیشنهاد کرد به‌جای تمرکز بر تنظیم‌گری رسانه‌های رقیب، صداوسیما در جهت بازیابی مرجعیت رسانه‌ای خود گام بردارد و در مقابل، نظارت بر رسانه‌های ناشرمحور و شبکه نمایش خانگی در چارچوب وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تقویت شود تا فعالان این حوزه از حمایت نهادی برخوردار شوند. از دیگر محورهای انتقاد مطرح شده، نبود تعریف دقیق از «صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» است. به گفته رجبی‌فروتن، تعریف موجود می‌تواند شامل طیف گسترده‌ای از رسانه‌های کاربرمحور مانند شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های اشتراک محتوا نیز شود؛ برداشتی که با اصل آزادی بیان در قانون اساسی در تعارض است و نگرانی‌های جدی ایجاد می‌کند. او همچنین با اشاره به فصول انتظامی و قضایی طرح، غلبه رویکرد تنبیهی بر حمایت را از مشکلات اصلی دانست و عملکرد ساترا را نمونه‌ای از همین نگاه ارزیابی کرد.

پیامکی برای صیانت از دانشجویان

گزارش خبری از سومین روز ملت‌هب دانشگاه‌های پایتخت و کلان‌شهرها

گروه اجتماعی: بحران در دانشگاه‌های بزرگ کشور به نقطه انفجار رسیده است. دیروز دوشنبه درحالی که اعتراضات دانشجویی هم‌زمان با مراسم یادبود شهدای حوادث دی‌ماه وارد سومین روز پیاپی خود شده بود، مدیریت دانشگاه صنعتی شریف و بهشتی با ارسال پیامک‌های تنبیهی برای هر دو سوی ماجرا، چه دانشجویان معترض و چه بسیجی‌ها دوباره خبرساز شد. این اتفاق درحالی رخ می‌دهد که مسعود تجریشی، رئیس دانشگاه شریف، دیروز در جمع دانشجویان معترض صراحتاً از ورود رسمی دادستانی به پرونده تجمعات خبر داد.

اتمام حجت در ضلع جنوبی؛ ورود دادستانی به شریف

مسعود تجریشی، رئیس دانشگاه صنعتی شریف دیروز ۴ اسفندماه با حضور در جمع گروهی از دانشجویان معترض در ضلع جنوبی این دانشگاه، ابعاد جدیدی از فشارهای وارده بر مدیریت دانشگاه را فاش کرد. براساس گزارش «روزنامه شریف» و خبرگزاری «مهر»، تجریشی اعلام کرد که نهادهای قضایی و دادستانی به‌طور مستقیم به موضوع تجمعات ورود کرده‌اند.

وی در این جمع گفت: «دادستان به این موضوع ورود و عنوان کرده که این فقط موضوع دانشگاه نیست و ما باید ورود کنیم».

رئیس دانشگاه شریف با تأیید ارسال پیامک‌های ممنوع‌الورودی برای دانشجویان هر دو طیف درگیر در تنش‌های روزهای اخیر، این اقدام را یکی از «ابزارهای قانونی» دانشگاه برای صیانت از دانشجویان نامید. وی در پاسخ به اعتراضات گسترده دانشجویان نسبت به این محرومیت‌ها اظهار کرد: «من به‌عنوان رئیس هم باید بتوانم پژوهش و آموزش را اجرا کنم و هم علاقه دارم از شما صیانت کنم. نباید پس‌فردا خانواده‌ها بیایند از ما شکایت کنند که چرا اجازه دادید، بچه‌های ما در تجمعات غیرقانونی شرکت کنند و این عاقبت (دستگیری) نصب‌شان شود».

تجریشی همچنین تهدید کرد: «اگر در ادامه تعداد ممنوع‌الورودها زیاد شود کلاً دانشگاه را مجازی می‌کنیم». وی تأکید کرد که مدیریت شریف تا امروز برای حضوری ماندن کلاس‌ها، ایستادگی کرده تا دانشجوی عصبانی نتواند حرفش را در داخل محیط آکادمیک بزند و موضوع به بیرون از درهای دانشگاه کشیده نشود.

شد، اعلام کرد «محمد مهدی محمدی»، دانشجوی ترم چهارم کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، روز گذشته در جریان کلاس درس دچار تغییر حال ناگهانی شده و پس از انتقال به بیمارستان الغدیر فوت کرده است. دانشگاه اعلام کرده، علت دقیق فوت در حال بررسی است.

الزهره و خواج‌نصیر؛ تقابل بر سر پرچم و سرودهای اعتراضی

در دانشگاه الزهرا (س)، خبرگزاری «مهر» و «فارس» از تجمعات اعتراضی خبر دادند. طبق روایت فارس، تلاش چند دانشجوی برای آتش زدن پرچم جمهوری اسلامی با دخالت سایر دانشجویان ناکام ماند و بلافاصله تجمعی در اعتراض به این اهانت شکل گرفت. رئیس امور دانشجویان نیز در گفت‌وگو با «صداوسیما» با تأکید بر اینکه «فحاشی و خشونت دو خط قرمز دانشگاه است» از تمامی دانشجویان خواست، ادب و شئون را رعایت کنند.

در دانشگاه صنعتی خواج‌نصیر نیز دانشجویان با حضور در لابی دانشگاه، سرود اعتراضی «این نامه را برایت از خاک کوچه‌های سرد» را هم‌خوانی کردند. ویدئوهای منتشر شده نشان می‌دهد که دانشجویان در این دانشگاه شعارهایی نظیر «می‌جنگیم، می‌میریم، ایران را پس می‌گیریم» و... سر داده‌اند. آغاز این موج از اعتراضات به روز شنبه ۲ اسفند بازمی‌گردد. در اولین روز ترم جدید، دانشجویان شریف شعارهایی علیه نظام سر دادند. خبرگزاری فارس از ویدئوهایی خبر داد که در آن شرکت‌کنندگان، شعارهای ساختارشکن در حمایت از پهلوی سر داده بودند. در همان روز، رئیس دانشگاه شریف مدعی شده بود که «اداره دانشگاه با من است» و با اصرار بر حضوری ماندن کلاس‌ها خطاب به دانشجویان گفته بود، دشمن تمایل به مجازی شدن دارد اما «ناو هواپیما بر شما هم نمی‌تواند کلاس‌ها را متوقف کند».

در دانشگاه شهید بهشتی نیز دانشجویان با تحصن نمادین و روشن کردن شمع، یاد «هادی فروغ» (دانش‌آموخته این دانشگاه که در اعتراضات هدف گلوله قرار گرفت) را گرامی داشتند. هم‌زمان گزارش‌هایی از دانشگاه‌های مشهد منتشر شده که طبق ادعای رویترز، دخالت نیروهای امنیتی منجر به مجروحیت چند نفر شده است اما در نهایت این ادعا را هم دیروز رئیس پلیس تکذیب کرد.

امیرکبیر؛ آتش زدن پرچم‌ها

هم‌زمان با تنش‌ها در خیابان آزادی، دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی‌تکنیک) روز بسیار ملت‌هپی را پشت سر گذاشت. خبرگزاری «مهر» در گزارشی از تجمعات روز دوشنبه در این دانشگاه، از کشیده شدن اعتراضات به درگیری فیزیکی و خشونت خبر داد. طبق این گزارش درحالی که جمعی از دانشجویان در محوطه سردر دانشگاه اقدام به برپایی نماز جماعت کردند، درگیری‌های شدیدی میان طیف‌های مختلف دانشجویی رخ داد. خبرگزاری «فارس» در گزارشی تکمیلی اعلام کرد که در جریان این درگیری‌ها، شماری از دانشجویان با پرتاب بطری و اشیاء سخت به سوی دیگران، موجب جراحت و خون‌ریزی ۴ دانشجوی بسیجی شدند. در این دانشگاه، برخی دانشجویان اقدام به آتش زدن پرچم ایران کردند که در مقابل، طیف دیگری از دانشجویان پرچم آمریکا را آتش زدند. تصاویر منتشر شده، نشان‌دهنده به اهتزاز درآمدن پرچم ایران در بالاترین نقطه دانشگاه امیرکبیر توسط دانشجویان مدافع نظام است.

دانشگاه تهران؛ طنین شعارهای «پهلوی برمی‌گردد»

دانشگاه تهران نیز دیروز برای دومین روز متوالی، صحنه تجمعاتی بود که خبرگزاری «فارس» آن را یادبود شهدای حوادث دی‌ماه نامیده است. در این تجمع، بخشی از دانشجویان، شعارهای ساختارشکنی نظیر «پهلوی برمی‌گردد» و «نه غزه نه لبنان» سر دادند. در مقابل این جریان، شماری دیگر از دانشجویان با در دست داشتن پرچم جمهوری اسلامی ایران در محوطه مرکزی حضور یافته و نماز ظهر و عصر را اقامه کردند. معاون فرهنگی دانشگاه تهران در واکنش به این تحولات اعلام کرده بود که به‌رغم تنش‌های لفظی بسیار شدید در دقایق پایانی، هیچ‌گونه بازداشتی در داخل محیط پردیس رخ نداده و کسی صدمه ندیده است. وی همچنین هشدار داد که در صورت تبدیل اعتراضات به خشونت، دانشگاه از هرگونه حمایتی از دانشجویان خودداری خواهد کرد.

علم‌وصنعت؛ سوگ محمد مهدی و شعارهای تند

دانشگاه علم‌وصنعت که از روز سوم اسفندماه شاهد درگیری‌های شدیدی بود، روز گذشته با خبر فوت یکی از دانشجویان خود مواجه شد. روابط عمومی دانشگاه علم‌وصنعت در بیانیه‌ای که توسط خبرگزاری «ایمنا» منتشر

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقلتاعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌پار، امیر اقلتاعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

یادداشت روز

بحران پرهزینه

نقطه‌ضعف‌ها

در مقابل این عوامل، رژیم ایران از آسیب‌ها و نقاط‌ضعف مهمی هم رنج می‌برد که می‌توان آنها را بدین‌گونه برشمرد: یکی از این نقطه‌ضعف‌ها، فراگیری و وسعت ناراضی‌ها و از آن مهم‌تر، روند روزافزونی این ناراضیان است. تقریباً می‌توان گفت به استثنای موارد خاص، روند تشدید ناراضی‌ها و ریزش حامیان در هر موجی از این حوادث روبه فزونی است و چشم‌انداز کاملاً نگران‌کننده‌ای برای بقا به نمایش می‌گذارد. دوم، فراگیری و وسعت دشمنان خارجی و منطقه‌ای است. صرف‌نظر از ملت‌های منطقه می‌توان گفت که دولت‌ها اکثراً دل خوشی از آن ندارند. مثل خانه‌ای می‌ماند که تقریباً همه همسایه‌ها کم‌وبیش با آن بد هستند. و این امر بالاخره باعث می‌شود، آرامش از این خانه گرفته شود. نکته دیگر این است که اصولاً رهبران کاریزماتیک مرحله جانشینی پرسیکی دارند و به‌سرعت جایگزین نمی‌شوند و معمولاً یک خلأ رهبری به‌وجود می‌آید و این برای شرایط امروز جامعه ما تهدیدکننده است و درنهایت، مهم‌ترین مسئله این است که این نظام «ناتوانی در مدیریت اعتراضات» دارد و این سبک کار، مرتب هزینه روی دست نظام می‌گذارد. از آنجا که نظام، اجازه رشد و بقای نهادهای مدنی کارآمد و مطالبه‌گری مسالمت‌آمیز را نداده است در غیاب متولی مدنی برای اعتراضات، اعتراضات توده‌های خشمگین مردم به‌سرعت می‌تواند، خشونت‌آمیز شود و نهادهای انتظام‌بخش هم مهارتی در کنترل کم‌هزینه اعتراضات ندارند و نوعاً مهار اعتراضات، هزینه‌های سنگین ایجاد می‌کند و چون اراده یا توانایی حل بحران به‌طور اساسی هم وجود ندارد همچنان که شاهدیم، چرخه‌ای از اعتراضات متوالی را ایجاد می‌کند.

راه‌های خروج از چرخه نامالیامات

به‌اجمال می‌توان گفت، در راه ماینر برای خروج از این وضعیت وجود دارد که یکی از آنها «اقناع حاکمیت و انعطاف‌پذیری درونی» است. به این معنا که بالاخره حاکمیت باور کند که این مسیر مشکلات را افزایش می‌دهد و قابل ادامه نیست؛ بسیاری از تلاش‌های درون نظام از سوی ناصحان و دلسوزان و حتی احزاب و جبهه‌های سیاسی که در قالب نامه‌های محرمانه یا سرگشاده یا بیانیه‌های رسمی یا سخنان شفاهی ابراز شده تاکنون مبتنی بر همین نگاه بوده و تلاش شده این باور را ممکن کند، که ضرورت دارد این مشکلات و مسیرهای پرهزینه را اصلاح کرده و تغییر دهیم که البته تاکنون چندان راه به‌جایی نبرده است.

راه دیگر، «اجماع و هم‌افزایی منتقدان و تحول‌خواهان خشونت‌پرهیز، وطن‌خواه و مخالف مداخله خارجی» است که بتوانند با حاکمیت به چانه‌زنی و توافق برسند و قدرت اقلت‌کنندگی خودشان یا امکان تعامل با حاکمیت را بالا ببرند تا جایی که حاکمیت نتواند به آنها بی‌اعتنایی کند؛ با این مقصود که دو طرف به سطحی از توافق و مطالبه معنادار برای اصلاحات اساسی به‌منظور بقای نظام برسند. به‌نظر می‌رسد این فرمول بهترین فرمول بقاست.

چرایی رخدادهای اخیر و حجم بالای خشونت‌ها

در خصوص «چرایی و تبیین رخدادهای اخیر» ابتدا باید متذکر شد، متأسفانه هیچ اطلاعات قابل اعتماد و دقیقی از صحنه و میدان وجود ندارد لذا آنچه در ادامه به آن اشاره می‌شود، تحلیل مبتنی بر داده نیست؛ بلکه براساس یک‌سری شواهد و قرائن است که از فضای سیاسی و اندیشه‌ای و ویژگی‌های جریان‌های موجود و احیاناً تجارب گذشته در ایران در دست است. اگر نظام اجازه بدهد که کمیته حقیقت‌یاب تشکیل شود و اطلاعات درست و قابل اعتمادی به دست آید، آن وقت می‌توان این وجوه را صحت‌سنجی کرد و احیاناً فروض نامعتبر را حذف یا با دقت بیشتری درخصوص میزان و سهم هریک از عوامل این تحلیل اعلام نظر کرد.

اما عجالتاً می‌توان درخصوص پیدایش و پرهزینه شدن اعتراضات اخیر، این نکات را مورد توجه قرار داد:

۱) کلیدی‌ترین مسئله ما «انباشت ناراضی‌های بسیار متکثر و چندوجهی از پیش موجود» است که بالاخره شوک معیشت هم مثل خرج موشک عمل کرد و به طبقات مختلف وارد شد. اما این لزوماً نمی‌توانست، جرقه یک حرکت اعتراضی وسیع باشد و متغیر زمینه‌ای دیگری هم مؤثر بود.

۲) این مسائل و بحران معیشتی زمانی اتفاق افتاد که ما در وضعیت نه جنگ و نه صلح قرار داشته و داریم که اتفاقاً ظرفیت رفتارهای فرصت‌طلبانه و موقعیت‌سنجان داخلی و

خارجی را هم زیاد می‌کند. در چنین وضعیتی که اعتراضات بالا می‌گیرد و کم‌وبیش خطر سوءاستفاده‌ها جدی می‌شود این راهبرد قوت می‌گیرد که باید عوامل خطر سر جایشان نشاندند شوند. اما مسئله مهم این است که چرا پروسه مهار و کنترل اعتراضات در ایران بسیار پرهزینه است و خشونت را بالا می‌برد؟

دلایل و عوامل پرهزینه شدن اعتراضات

۱ و ۲- ضمن تأکید بر اینکه بسترها و زمینه‌های داخلی اعتراضات کاملاً اصالت دارد و نمی‌توان آن را دست‌کم گرفت اما قاعدتاً متغیر کلیدی «برنامه و تدارک خارجی» هم وجود دارد. در این فضای جنگی، کسانی که ناو می‌فرستند و مرتب تهدید به حمله می‌کنند و امنیت رژیم اسرائیل را در نابودی رژیم ایران از طریق جنگ اعلام می‌کنند قطعاً اگر بتوانند تروریست هم نفرستند حتماً می‌فرستند؛ در کلیت این امر شکی نیست اما مقدارش مشخص نیست. کمترین اثرگذاری این متغیر این است که حتماً تشویق، تحریک و امیدوار کردن معترضان از طریق نتیجه‌بخش بودن توسل به اغتشاشات، وجود دارد و وعده کمک در راه است، بازترین نشانه این سطح از اثرگذاری است.

۳) آدم‌های ناکام و ناامید، براساس قاعده روان‌شناسی «ناکامی به پرخاشگری منجر می‌شود» اگر موقعیت مناسبی ببینند، پرخاشگری خود را بروز می‌دهند و متأسفانه عملکرد نظام در تولید و انبوهی این حجم گسترده از ناراضیان جوان و خشمگین بسیار بالا بوده است. می‌دانیم معمولاً در همه جای دنیا، واندلیسم یا تخریب‌گری اجتماعی را با نیروهای مدنی معترض در جمعیت‌های اعتراضی کنترل می‌کنند. در حوادث انقلاب اسلامی هم شاهد بودیم که ممکن بود، مردم عادی بخواهند این کار را انجام بدهند اما خود من آن موقع به‌عنوان یک دانشجوی جوان که مثل من هم بسیار بود، حواسم بود که کسی خرابکاری نکند. این «بازدارندگی مدنی» یکی از پارامترهای بسیار مهم کنترل اعتراضات و کاهش خشونت است. اما متأسفانه این نظام طی سال‌های اخیر هنرش این بوده که «گروه مدنی معترض» را از صحنه خارج کرده است؛ انگار هیچ اعتراضی را ذیل اعتراض مدنی تعریف نمی‌کند لذا هرچه رخ می‌دهد، بخش اعظم افراد «معترض فاقد کنترل مدنی» است و این امر هم یکی از عوامل مهم بالا رفتن حجم خشونت‌هاست.

۴) در چنین شرایطی آنچه که می‌تواند خشونت را کاهش دهد و از حجم تلفات این حوادث بکاهد، کیفیت، باور و مهارت نیروهای رسمی و حاکمیتی و وفادار نظام است، که قادر باشد این‌گونه اعتراضات را با تلفات کمتر مهار کند، که متأسفانه نهادهای کنترلی ما در این زمینه هم ضعف‌های اساسی دارند. ولی به اختصار می‌توان گفت که مجموعه این عوامل دست به‌دست هم داد و یکی از پرخسارترین و پرتلفات‌ترین اعتراضات تاریخ ایران را رقم زد و در هر حال، مسئولیت حاکمیت به‌عنوان حافظ نظم و امنیت در قبال این حجم از خسارات و تلفات غیرقابل انکار است حتی اگر سهم بزرگی را هم برای عوامل و ایادی بیگانگان در این ماجرا مفروض بگیریم.

بخش دوم: تبیین چرایی حجم بالای تلفات در حوادث دی ماه

همچنان که در بخش اول این مکتوب اشاره شد، تراکم

ناراضیاتی و خشم انباشته بسیاری از شهروندان به‌ویژه جوانان ناامید، مداخله و تدارک خشونت از سوی عوامل بیگانه (که البته مقدار و سطح آن فعلاً بر ما مکشوف نیست) و عصبانیت ناشی از شکست و ناامیدی جمعیت خشمگین معترض، بدون وجود عوامل کنترل‌کننده مدنی در صحنه عملی اعتراضات از عناصر عمده تشدیدکننده خسارت‌ها و تلفات در حوادث اخیر محسوب می‌شوند. اما غفلت یا کم‌توجهی به عملکرد و کیفیت فکری اعتقادی و مهارتی متولیان و نیروهای میدانی برقراری نظم و امنیت، وقتی فرمان یا وظیفه کنترل اغتشاش و اعتراض به آنها ابلاغ می‌شود نیز در این رخداد را نمی‌توان نادیده گرفت.

مجدداً تأکید می‌شود در این مکتوب نه براساس داده و آمار و گزارش‌های میدانی قابل اعتماد (که فعلاً جز قرائت و روایت‌های دوسویه غیرقابل اعتماد چیز چندانی وجود ندارد) بلکه صرفاً با استفاده از شناخت نظری تحلیلی باورها و قرائن و شواهدی از تجارب و عملکرد گذشته این نیروها می‌توان درخصوص رفتارهای آنها فرضیه‌پردازی کرد. اما اعتبار دقیق این فرضیات و نیز سهم هریک از این عوامل تنها پس از دسترسی به داده‌های قابل اعتمادی که کمیته‌های حقیقت‌یاب علمی و بی‌طرف که رئیس‌جمهور محترم وعده آن را داده‌اند، ان‌شاء‌الله معلوم خواهد شد.

من این عوامل را در چهار محور به شرح زیر طبقه‌بندی می‌کنم: ۱) آموزه‌های ایدئولوژیک و اعتقادی سطحی و بعضاً غیرمنطبق با مبانی غنی دینی که براساس آن حرمت جان و سلامتی انسان‌ها خیلی جدی گرفته نمی‌شود به‌ویژه وقتی لاابالی‌گری و یا بی‌اعتقادی آنها به محکومات دینی و احیاناً احتمال وابستگی آنها به دشمنان مطرح باشد به سهولت سبب می‌شود، حرمت جانشان نادیده انگاشته یا کم‌اهمیت پنداشته شود. واقعیت آن است که بخشی از نیروهای میدانی یا حتی رده‌هایی از مسئولان بالاتر آنها، این قبیل مخالفین و معارضین نظام را به سهولت در رده یاغی و محارب قلمداد می‌کنند و اتهامی جدی برای کاهش تلفات، که شرط عقلایی نیروهای حافظ امنیت کشور است، در کنترل حوادث به خرج نمی‌دهند. کلاس‌های بصیرت‌افزایی و دوره‌های آموزشی این نیروها بعضاً توسط کسانی اداره می‌شوند که تحت‌تأثیر آموزه‌های خاص، باور چندانی به رضایت مردم (کم‌اعتقاد به‌زعم آنها) و مشروعیت‌آوری آن برای حکومت دینی ندارند و طبیعتاً حرمت جان آنها هم با مختصر احتمال الحاد و بی‌دینی یا وابستگی این افراد به اجانب، کم‌اهمیت می‌شود.

نمونه‌های روزمره این قبیل آموزه‌ها را در بعضی تریبون‌ها و حتی کيفرخواست‌های اولیه بعضی محاکم (هرچند در مراحل بعدی تعدیل شود) می‌بینیم و طبیعتاً آثار این آموزه‌ها ظرفیت وقوع خشونت را در صحنه‌هایی که منتسب به مداخله بیگانه و تعارض با نظام اسلامی در آن محتمل باشد، بالا خواهد برد. عملکرد بعضی نیروهای افراطی خودسر و یا نیروهایی که اصطلاحاً خود را آتش به اختیار در دفاع از نظام می‌شناسند و احیاناً به‌جای حکم و فرمان، داعیه اجرای منویات (به تشخیص خودشان) را در سر می‌پروراندند، در این قبیل صحنه‌ها می‌تواند، ضریب تلفات را بالا ببرد.

۲) نیاز به‌مهارتی از خشونت به‌عنوان عامل مشروعیت بخش برخورد‌ها، مسئله بعدی است. واقعیت آن است که نیروهای رسمی کنترل‌کننده نظم و امنیت، سازوکارهای مناسب و کارآمد برای مقابله با اعتراضات آرام و مسالمت‌آمیز را ندارند و احساس می‌کنند بدون وجود جانشینی خشونت، قادر به مهار این‌گونه اعتراضات نیستند به‌خصوص اینکه به دلیل بالا بودن حجم ناراضی‌ها، اگر مشارکت در اعتراض بی‌هزینه یا کم‌هزینه برآورد شود احتمال بالا رفتن تعداد مشارکت‌کنندگان زیاد خواهد بود. اینجاست که فرض تریق سطحی از خشونت توسط عوامل خودی پیش می‌آید تا برخورد و مقابله با حرکت

اعتراضی قابل توجیه شود. البته این وجه فقط وقتی موضوعیت پیدا می‌کند که معترضین، آگاهانه روش اعتراض بدون خشونت را در پیش گرفته باشند و خود قادر باشند، خشونت‌طلبی عناصر ناراضی تسدرو را مهار کنند. ما درخصوص اینکه در حوادث دی ماه اخیر چنین وجهی از تولید خشونت اساساً وجود داشته است یا خیر، اطلاع دقیقی نداریم و طبیعی است که وقتی تولید خشونت توسط جریان‌های تسدرو و خشونت‌گرایان مرتبط با بیگانه و ایادی آنها وجود داشته باشد، اساساً ضرورت تولید خشونت توسط نیروهای خودی، موضوعیت نخواهد داشت. لذا در حوادث دی‌ماه نمی‌توان فرض تولید خشونت از سوی نیروهای خودی را فرض چندان جدی به‌حساب آورد چون ادعا این است که تولید خشونت توسط جریان‌های برانداز به حد کافی اتفاق افتاده است. اما قضاوت دقیق و قطعی را باید به پس از گزارش کار کمیته‌های حقیقت‌یاب موکول کرد.

اما سابقه تولید خشونت توسط عوامل خودی در فرآیند کنش‌های مدنی بدون خشونت، واقعیتی است که بعضاً توسط برخی مسئولان بعد از گذشت سال‌ها از واقعه اعتراف شده است. نمونه‌های این امر را در جریان کارناوال عاشورای سال ۷۶ و پاره کردن عکس امام در آن جریان و پخش آن در صداوسیما و نیز سازمان‌دهی آشوب و مجرمین در حوادث عاشورای سال ۸۸ که مرحوم سردار همدانی به‌عنوان کارنامه ابتکارات خود مطرح کرد و ظاهراً تکذیب هم نشد، می‌توان یادآوری کرد. البته آقای احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت هم گاه‌وبیگاه از این‌گونه تولید خشونت‌ها در جریان حوادث سال ۸۸ یاد می‌کند که پاسخگویی جدی و مستدل به اظهارات ایشان را هم ندیده‌ایم.

۳) قتل‌های تدافعی، عامل دیگر در بالا رفتن تلفات در جریان اغتشاشات است. این وضعیت وقتی به‌وجود می‌آید که فرض حمله اغتشاشگران به مراکز نظامی و امنیتی یا مراکز سیاسی حساس به قصد خلع سلاح کردن نیروها و طبیعتاً خطر جانی مدافعین مسلح این مراکز را در نظر بگیریم. طبیعی است که در این قبیل موقعیت‌ها، اقدامات تدافعی این نیروها می‌تواند حجم تلفات را چه از ناحیه نیروهای مدافع نظم و چه از جانب اغتشاشگران مسلح یا غیرمسلح بالا ببرد. در جریان حوادث دی ماه اخبار جست‌وگریخته این‌گونه اتفاقات نیز هم در روایت رسمی، هم در روایت تبلیغات براندازها مطرح شده که چندوچون دقیق آن موکول به گزارش کمیته‌های حقیقت‌یاب بی‌طرف است.

۴) عامل بعدی، تلفات و خسارات ناشی از ضعف آموزش، مهارت و امکانات و تجهیزات لازم برای کاهش تلفات در فرآیند مهار اعتراضات و اغتشاشات از سوی فرماندهان و عوامل میدانی مدافع نظم و امنیت است. واقعیت آن است که بخشی از این امر ممکن است تحت‌تأثیر آموزه‌های اعتقادی این نیروها باشد که در بند یک به آن پرداختیم. اما واقعیت دیگر آن است که اصل عقلایی توسل به کم‌هزینه‌ترین روش‌ها برای مهار اعتراضات و اغتشاشات در سازمان و ساختار نیروهای برقرارکننده نظم، جایگاه مناسب خود را نیافته است. در اغتشاشات اخیر به‌وضوح مشهود است که بعد از خویشتن‌داری‌های اولیه، وقتی خطرات امنیتی جدی‌تر احساس شد و اجازه برخورد صادر شد تقریباً تدابیر کاهش تلفات، جای چندانی در اتفاقات میدانی نداشت. توسل به تیراندازی هوایی، استفاده از ماشین‌های آب‌پاش، استفاده از گاز اشک‌آور و استفاده از اسلحه‌های کم‌خطر و نیز تیراندازی به نواحی پایین‌ته ظاهراً در سازمان نیروهای عمل‌کننده جایگاه چندانی نداشت و اصل پراکندن اغتشاشگران یا زنده‌گیری سردسته‌ها چندان مورد توجه نبود. حتی در استفاده از تفنگ‌های ساچمه‌ای هم قاعده تیراندازی از فاصله دور و هدف‌گیری اندام پایینی، گویا کمتر مورد توجه بوده است. حجم بالای جراحات چشمی و تراکم زیاد ساچمه‌ها در بدن آسیب‌دیدگان، آن‌چنانکه در گزارش‌های پزشکی انتشار یافته دیده می‌شود، حاکی از آن است که این ضعف در ساختار نیروهای عمل‌کننده واقعیت دارد، وگرنه مهار همین سطح از اغتشاشات با تلفات پایین‌تر، امری دور از ذهن نیست.

البته قضاوت دقیق‌تر وقتی ممکن خواهد بود که سهم و نقش احتمالی عوامل و ایادی منتسب به خارج و تروریست‌ها در این وقایع با وضوح بیشتری معلوم شده باشد. ولی تا تعیین سهم و نقش واقعی هریک از این عوامل به‌طور کلی می‌توان گفت که کنترل فعلی این حوادث با تلفات و هزینه‌های بسیار بالایی صورت گرفت و این امر مسئولیت نظام را برای اتخاذ تدابیر لازم بسیار جدی می‌کند.

* میبخت فوق در نشست «تحلیلی بر شرایط کنونی جامعه ایران؛ آیا ایران در وضعیت پیشا‌انقلابی قرار دارد؟» که در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۴۰۴ در محل پژوهشکده امام‌خمینی و انقلاب اسلامی برگزار شد، از سوی دکتر حاضری ارائه گردید.

